

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا تَعَاوَنُ الرَّسُولِ لَفْتَرَفْنَا لَعْنَةُ اللَّهِ الْفَاعِلِينَ

مکارم اخلاق حضرت زہرا سلام علیہا

تالیف و اشاعت منظم
مرحوم شیخ احمد رحمانی ہمدانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۱	مکارم اخلاق حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۳	۱ - اخلاص
۱۴	۲ - عبادت
۱۷	۳ - تسبیح زهراء <small>علیها السلام</small> و سبب تشریح آن
۲۴	تحقیق و بررسی
۲۸	دانه‌های تسبیح و فضیلت تربت سید الشهداء <small>علیها السلام</small>
۳۰	۴ - نماز فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۴۲	۵ - سایر ادعیه، تسیحات و تعقیبات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۴۳	دعای برای ادای قرض
۴۴	دعا برای برطرف شدن تب
۴۵	دعا برای مهمات
۴۹	دعا در حوائج
۵۰	دعا برای خلاصی از حبس و تنگدستی
۵۱	از جمله تسیحات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>

۶ * مکارم اخلاق حضرت زهرا علیها السلام

۵۱	دعای حضرت در مکارم
۵۳	دعای حریق
۷۱	تعقیب نماز ظهر
۷۷	تعقیب نماز عصر
۸۶	تعقیب نماز مغرب
۹۴	تعقیب نماز عشاء
۱۰۲	دعای توسّل به حضرت <small>علیها السلام</small>
۱۰۳	۶- ایثار و فداکاری
۱۱۳	۷- راستگوئی
۱۱۳	۸- حجاب و عفاف
۱۱۵	۹- عصمت و دوری از گناه و اشتباه

بیش‌گفتار

شخصیت بانوی بانوان جهان، دخت گرامی پیامبر اسلام فاطمه زهرا علیها السلام چنان گسترده است که هیچ پژوهنده‌ی توانا و نویسنده‌ی زبردستی هر اندازه با مهارت باشد قادر نیست حتی به مختصری از ابعاد روحی و جایگاه و مقامات آن حضرت دست یابد و فضایل آن بانوی بزرگ را چنان که هست به تصویر کشد و برتری‌های والایی را که خداوند به حضرتش مبذول داشته است ترسیم نماید، و بی‌گمان شأن همه‌ی اهل بیت علیهم السلام چنین است، که خود فرموده‌اند:

اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ، وَ قُولُوا فِينَا مَا سَنْتَمُّ فَلَنْ تَبْلُغُوا.

ما را آفریده و بنده‌ی خدا بدانید، آن‌گاه هرچه خواستید در فضل ما بگویید که به‌گونه‌ی معرفت ما نخواهید رسید.

و آن مقدار هم که میسور گردیده تنها با استمداد از بیانات پدر بزرگوار و فرزندان گرامی ایشان امکان‌پذیر گشته است. از این‌رو هرکس درباره‌ی مناقب آن حضرت سخنی گفته یا چیزی نگاشته، به میزان شناخت خویش توسن زبان و قلم رانده و به اندازه‌ی پیمانه‌ی خویش از این دریای ناپیدا کرانه

آب برداشته است، و کتاب‌های فراوانی که در ذکر مناقب و تاریخ زندگانی آن حضرت فراهم آمده نیز حکایت از همین نکته دارد.

در میان نویسندگان حیات حضرت زهرا علیها السلام لطف و عنایت ویژه الهی بر سر مردی سایه افکند که عمری را در این زمینه سپری نمود و اساس مطالعات خود را پژوهش درباره مقامات شامخ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار داد و در این راستا به توفیقات بلندی دست یافت. دانشمند گرانمایه و محقق فرهیخته، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین علامه حاج شیخ احمد رحمانی همدانی از نادر مردانی بود که در این باب گوی سبقت را ربود و کتاب گرانسنگ *فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى* صلی الله علیه و آله را فراهم آورد، کتابی که زبانزد خاص و عام شد و از سوی عالمان بزرگ دینی مورد تشویق قرار گرفت و در عرض چند سال، نه تنها متن عربی کتاب بلکه ترجمه‌های متعددی که به زبان‌های مختلف شده بود، مکرراً به طبع رسید.

مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر با توجه به علاقه وافری که جهت نشر آثار اهل بیت علیهم السلام دارد، از ابتدا در مقام ترجمه فارسی کتاب مذکور برآمد و کتاب در اختیار شخصیت گرامی حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ مهدی جعفری دام عزه‌العالی که خود از خاندان علم و فضیلت‌اند قرار گرفت و ایشان با پشتکاری شگرف ترجمه کتاب را به پایان رسانید.

ترجمه حاضر با این که در ردیف نخستین آثار قلمی و علمی مترجم گرامی به شمار می‌آید، مقدم بر دیگر ترجمه‌های کتاب بوده و ناظر به هیچ ترجمه دیگری انجام نگرفته است، ترجمه‌ای روان و خوشخوان بوده، به طوری که شیوایی آن مورد پسند مؤلف کتاب و بزرگان دیگری قرار گرفته

بود. با این وجود برای تکمیل کار، از استاد گرامی و فاضل محترم جناب آقای حسین استادولی - زید مجده - تقاضا کردیم کتاب را بازبینی نموده اگر سهو و خطایی در آن رخ داده باشد به اصلاح آورند که این مهم نیز انجام پذیرفت.

در خاتمه، به پاس فداکاری‌هایی که والدین عزیزم در تربیت دینی من مبذول داشتند، زبانم را به خواندن این شعر مترنم می‌سازم:

لَا عَذَابَ لِلَّهِ أُمِّي إِنَّهَا شَرِبَتْ
حُبَّ الْوَصِيِّ وَ عَذَّتْنِيهِ بِاللَّبَنِ
وَ كَانَ لِي وَالِدٌ يَهْوَى أَبَا حَسَنِ
فَصِرْتُ مِنْ ذِي وَ ذَا أَهْوَى أَبَا حَسَنِ

خدا مادرم را عذاب ندهد که شهد دوستی مرتضی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را نوشید و آن را با شیر به کام من ریخت.
پدرم نیز هوای عشق علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سر داشت، و من عشق آن حضرت را از این دو بزرگوار به ارث برده‌ام.

و ثواب این اثر گرانبها را به روح پرفتوح ایشان اهدا می‌کنم و خشنودی آن دو عزیز را از درگاه ایزد متعال خواستارم و از خوانندگان گرامی نیز التماس دعای خیر و مغفرت در حق آنان دارم.

سید محمد سبط

۱۳۹۰ / ۱۱ / ۲۱ - هفدهم ربیع‌الاول ۱۴۳۳

هم‌زمان با ولادت با سعادت

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ

مكارم اخلاق حضرت زہرا سلام اللہ علیہا

۱ - اخلاص

۱ - بُزَل هِرْوَى از حسین بن روح^۱ پرسید که: دختران پیامبر خدا ﷺ چند نفر بودند؟ فرمود: چهارتا، گفت: کدامیک افضل بودند؟ فرمود: فاطمه [عَلَيْهَا]. گفت: به چه دلیل افضل از دیگران بود در حالیکه مشاهده می‌کنیم از همه کوچکتر بوده و کمتر هم صحبت با رسول خدا ﷺ بوده است؟ فرمود: به وجود دو خصلت از دیگران برتر است: وارث رسول خدا بود و نسل رسول اکرم از ناحیت او بود، که این دو امر به او مخصوص نگردیده مگر به سبب فضیلت اخلاصش که از قصد و نیت حضرتش شناخته و پیداست.^۲

۲ - حضرتش صرف اینک که دختر رسول خدا ﷺ می‌باشد به این مرتبه بلند و ارجمند نرسیده چون برای رسول اکرم ﷺ چهار دختر بود و همسران متعددی را دارا بود، لیکن تنها او بود که بدین درجه و

۱ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی سؤمین نائب خاص حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بود که پس از محمد بن عثمان از ۳۰۵ تا ۳۲۶ ق. نیابت حضرت را به عهده داشت. مترجم.

۲ - بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۷.

مقام نائل شد آنهم به سبب اخلاص، پارسایی، بندگی کردن به درگاه حق تعالی، بخشش در راه خدا، جهاد فی سبیل الله و صبری که در راه باریتعالی بر خود هموار نمود. او مسیر زندگی خود را به میل و اراده خود برگزید؛^۱ در نتیجه برای او مقرر شد که بانوی بانوان جهانیان قرار گیرد. . . و از این رو در مجمع اسلامی هسته اساسی است که خداوند مقام «امّ الائمه» ای را بدو ارزانی داشته است و شرافت حلقه اتصال میان نبوت و امامت را از آن او ساخته.^۲

۲ - عبادت

۱ - علامه ابن فهد رحمته الله چنین می گوید: نفسهای فاطمه علیها السلام در گاه نماز از خوف خدا به شماره می افتاد.^۳

۲ - از حسن بن علی علیه السلام نقل است که: مادرم، فاطمه علیها السلام را در شب جمعه دیدم که در محراب عبادتش به پایستاده و رکوع و سجود از او دور نشد تا این که فجر صادق سر رسید. صدای او را می شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را دعا می نمود و نام هر یک را بر زبان جاری می کرد و بر آنها فراوان دعا می نمود لیکن دعایی برای خودش نمی کرد. پس به او گفتم: یا اُمّاه، لم لاتدعین لنفسک کما تدعین لغيرک؟ فقالت: یا بُنّی، الجار ثم الدار. ای مادر! چرا برای خود دعا نکرده دیگران را دعا می کنید؟ فرمود: پسرکم! اوّل همسایه بعد خود.^۴

۱ - یعنی سختی ها، رنجها و مصائبی که بر او وارد شد همه از روی آگاهی حضرت - به اینکه اگر در این مسیر قدم نهد با آنها مواجه خواهد شد - بود. مترجم.

۲ - یومیّات فاطمة الزهراء، احمد کاتب، ص ۲۱.

۳ - عُدّة اللّاعی، باب چهارم، ص ۱۳۹.

۴ - بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱-۸۲.

۳ - محمد بن علی بن الحسین بن علی، امام باقر علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلمان فارسی را به نزد فاطمه زهرا فرستاد. سلمان گوید: بر درب سرای فاطمه توقف نمودم تا اینکه حضرت را مشاهده کرده سلام نمودم. شنیدم فاطمه علیها السلام در خانه به تلاوت قرآن و در بیرون خانه به گرداندن آسیاب مشغول بودند و هم صحبتی در نزدشان نبود.

در خبر دیگری چنین آمده است: چون رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وضعیت فاطمه علیها السلام را مشاهده نمودند تبسمی کرده به سلمان فرمودند: ای سلمان! خداوند قلب و جوارح فاطمه دخترم را از ایمان مالا مال نموده است؛ چون (فاطمه زهرا) از طاعت خدا فراغت یافت خداوند ملکی به نام «زوقائیل» - در خبر دیگری «جبرئیل» ذکر شده است - را مأمور چرخاندن دسته آسیاب (به جای او) نمود که خداوند مؤونه دنیا را به همراه مؤونه آخرتش کفایت کند.^۱

۴ - روایت شده که چون حضرت زهرا علیها السلام به نماز و عبادت مشغول می شد، به کرات دیده شد که فرزندش چون گریه می کرد، گاهواره اش به حرکت می آمد و ملکی مأمور حرکت دادن آن بود.^۲

۵ - در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را پرسیدند: خانوادها را چگونه یافتی؟ فرمود: بهترین یاور برای بندگی و فرمانبری از خدا. و چون همین سؤال را حضرت از فاطمه پرسیدند؛ فاطمه علیها السلام فرمودند: او را بهترین شوهر یافتم.^۳

۶ - حسن بصری گوید: در این امت، عابدتر از فاطمه کس نیست. او

۱ - ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸.

۲ - ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۳۷.

۳ - ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۵۶.

آنقدر ایستاد (در حین عبادت) که پاهایش آماس کرد.^۱

۷ - در فرازی از یک حدیث از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است که:
وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ علیها السلام فَأَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَ
الْآخِرِينَ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي، وَهِيَ ثَمْرَةٌ فُؤَادِي، وَهِيَ
رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبِي، وَهِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، مَتَى قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا
بَيْنَ يَدَي رِبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهْرٌ نُورِهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ
الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي
انظروا إلى أمتي فاطمة سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَي، تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ
خِيفَتِي، وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَىٰ عِبَادَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِيعَتَهَا
مِنَ النَّارِ.

و اما دخترم فاطمه علیها السلام بانوی بانوان جهانیان است از آغاز تا پایان،
او جگرگوشه، فروغ دیدگان، میوه قلب، روح و روانم و حوریه‌ای در
قلب انسانی است. چون در محراب عبادت نزد پروردگارش به پای
می‌ایستد؛ نورش ملائکه آسمان را پرتوافشان می‌نماید، همچون
کواکب که زمین را برای ساکنانش به نور خود روشن می‌کنند. خداوند
عز و جلّ در این هنگام به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من! به
فاطمه، بانوی کنیزکانم که در پیشگاه من به عبادت ایستاده نظر کنید که
پهلوهایش از ترس من می‌لرزد و با قلبش در عبادت من متوجه من
است، شما را به شهادت می‌گیرم که شیعیانش را از آتش مصون
می‌دارم.^۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

۲- صدوق: الامالی، مجلس ۲۴، ص ۱۰۰.

۳ - تسبیح زهراء علیها السلام و سبب تشریح آن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختر خود فاطمه علیها السلام را اذکاری تعلیم داده بود که حضرت در موقع خواب و پس از هر نماز آن را می خواندند که به تسبیح فاطمه علیها السلام مشهور گردیده است.

علامه مولی محمد باقر مجلسی رحمته الله گوید: سبب تشریح این تسبیح بنا بر آنچه علمای امامیه و غیر ایشان نقل می کنند آنست که علی علیه السلام فرمود: چون رنج و تعب را که به فاطمه علیها السلام در انجام کار منزل می رسید مشاهده نمودم به فاطمه عرض کردم: اسیری را نزد پدرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده اند، از ایشان بخواه که خادم را به شما دهد تا در امر منزل و مشقت آن شما را یاور باشد. چون فاطمه علیها السلام نزد پیامبر آمدند جماعتی را در حضور پدرشان مشاهده نمودند لذا از عرض حال خود منصرف شدند. پدرگراشان دانستند که فاطمه علیها السلام برای امر مهمی آمده است لذا خود فردای آن روز، هنگام صبح به نزد آنان رفتند و علت آمدن فاطمه علیها السلام در روز گذشته را جو یا شدند. فاطمه علیها السلام بر اثر شرم نتوانست مطلب را بگوید. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت ختمی مرتبت عرض کردند: شما می دانید که در کارهای خانه همچون آب از چاه کشیدن، آسیاب کردن و جاروب نمودن به فاطمه علیها السلام چه می رسد و چه اثری بر جسم او گذارده است؛ لذا من به او گفتم: اگر پدرت از تو سؤال کرد از او بخواه که خدمتکاری که در کارها تو را یاور باشد به تو عطا کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه! آیا می خواهی تو را بر چیزی بهتر از خادم در دنیا آگاه کنم؟^۱ فاطمه علیها السلام فرمود: بلی، ای رسول

۱ - ابن حجر عسقلانی در «ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری»، ج ۷، ص ۱۱۷ گوید:

خدا! پس رسول خدا به فاطمه این تسبیح را تعلیم داد که معروف اوقات آن موقع خواب و بعد از هر نماز است.

و آنچه از اخبار خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بدست می آید کوشش بر بجای آوردن این تسبیح است کما اینکه امام باقر العلوم علیه السلام می فرماید: در نزد خدا پرستشی بهتر از تسبیح فاطمه در هر روز بعد از هر نماز نمی باشد که هر آینه اگر چیزی افضل از آن وجود می داشت رسول خدا آن را به فاطمه علیها السلام می بخشید. و امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: تسبیح فاطمه هر روز در پس هر نمازی محبوبتر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز^۱ و ما فرزندان خود را همچنان که امر به نماز می کنیم امر به آن می کنیم.

علامه عبدالرزاق مقرر رحمته الله علیه گوید: در تعبیر از رسیدن این تسبیح به مرتبه ای از فضل به گونه ای سخن رفته که بر مولی صحیح است که اگر بنده ای^۲ آن را ترک کرد عبادتش را به او بازگرداند و از او قبول نکند اگر چه عبادت از نظر اجزاء و شرائط تمام باشد. که ائمه علیهم السلام فرموده اند: «نمازی که از این تسبیحات خالی است به صاحبش برگردانید» چون عبادت قرین با تسبیح زهرا می باشد و این عبادت همچون لباس رنگ آمیزی شده ای می ماند که قابل قیاس با لباس بدون رنگ آمیزی و

۱- ابن تیمیّه در این باره چنین گوید: هر کس در هنگام خواب بر این ذکر مواظبت داشته باشد به او سختی نمی رسد. چون فاطمه (رضی الله عنه) شکایت از سختی کار نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به این ذکر احاله داد. عیاض گوید: معنی بهتر بودن در این جمله «تو را بر چیزی بهتر از خادم در دنیا آگاه کنم» می رساند که عمل آخرت برتر از امور دنیوی است.

۱- مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۲- مولی در اینجا بنا بر اصطلاح فقها و علمای اصول است که مراد شارع مقدّس و بنده، مخلوقاتند - مترجم.

گلدوزی نیست.

اختلاف این اخبار فراوان، در اینکه این تسبیحات باید هنگام خواب باشد یا پس از هر نماز، ضرری به اصل مطلب نمی‌رساند چون نفس این تسبیحات ثابت است و چگونگی این تسبیحات که باید سی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمدلله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» گفت؛ در نزد علمای اعلام مشهور است،^۱ بلکه علمای امامیه بنابر آنچه در «جواهر الکلام» آمده طبق آن فتوا داده‌اند و طبق نقل علامه حلی رحمته الله علیه در «المنتهی» مشهور همین است و عمل طائفه امامیه هم بر همین کیفیت است. . . .^۲

۱ - از محمد بن عذافر نقل است که: به همراه پدرم بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم. آنگاه از کیفیت تسبیح فاطمه علیها السلام پرسش نمودم که فرمودند: «الله اکبر» و سی و چهار بار شمردند، سپس فرمودند: «الحمدلله» و تا شصت و هفت شمردند و سپس فرمودند: «سبحان الله» و تا صد شمارش کردند که حضرت شمارش این تسبیحات را در یکجا، با دستان خود نگاه می‌داشتند.^۳

علامه مجلسی رحمته الله علیه گوید: این گفتار که: «در یک جا. . .» شاید برساند که حضرت پس از اینکه سی و چهار مرتبه «الله اکبر» گفتند، «الحمدلله» را از سی و پنج تا شصت و هفت شمردند [که سی و سه مرتبه می‌شود] و در آخر، «سبحان الله» را از شصت و هشت تا صد [که این هم سی و سه

۱ - برای بحث وافی پیرامون این مطلب به «مفتاح الفلاح» مرحوم شیخ بهائی، باب پنجم، مراجعه شود.

۲ - علامه مقزم: وفاة صدیقه الزهراء، ص ۴۱.

۳ - الفروع من الکافی - در حاشیه - مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۴.

مرتبه می شود [شمارش کردند و هر کدام را که می خواستند شمارش کنند از یک شروع نمی کردند بلکه تعداد قبل را ادامه می دادند تا صد رسید.

۲ - ابوبصیر، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که در مورد تسبیح فاطمه علیها السلام فرمودند: به تکبیر ابتدا کن آن هم سی و چهار مرتبه، سپس تحمید^۱ حق را سی و سه بار بجا آر و در آخر تسبیح خدای را سی و سه بار بازگویی.

علامه مجلسی رحمته الله گوید: «به تکبیر ابتدا کن» ردی است بر قول کسانی که ابتدا به تسبیح سپس تحمید و آخر تکبیر کرده اند.^۲

۳ - روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی از بنی سعد گفت: آیا می خواهی ماجرائی از خود و فاطمه برایت نقل کنم؟ فاطمه زهرا یعنی عزیزترین عزیزان رسول خدا در خانه من بودند. این بانو آنقدر آب از چاه بیرون کشیدند که اثر آن بر سینه شان باقی مانده بود و آنقدر با آسیاب، آرد کردند تا اینکه دستهایشان پینه بست و به اندازه ای خانه را رویدند و زیردیگ، آتش برافروختند تا لباسهایشان کثیف و خاک آلوده گردید به همین علت در سختی و رنج فراوان افتادند. به ایشان گفتم: وقتی به سراغ پدر خود رفتید از وی خادمی طلب کنید تا در کارهای منزل مددکارتان باشد در این صورت از این همه رنج و محنت آسوده خواهید شد.

پس فاطمه زهرا به خدمت رسول خدا شرفیاب شدند اما مشاهده کردند که رسول خدا با گروهی سرگرم گفتگو هستند، شرم نمودند و

۱ - تکبیر، تسبیح، و تحمید از الله اکبر، سبحان الله والحمد لله - مترجم.

۲ - الفروع من الکافی - در حاشیه - مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۳.

بدون آنکه با پدر خود سخنی ردّ و بدل کنند به خانه خود بازگشتند. رسول خدا که از جریان آمدن دختر خود مطلع بودند به منزل ما آمدند و ورود ایشان در حالی بود که ما در بستر و فراش خود بودیم. رسول خدا بر ما سلام کردند لیکن ما به خاطر وضع خاصی که از نظر مکان داشتیم، شرم نموده پاسخ ندادیم. برای مرتبه دوم رسول خدا سلام کردند باز چون مرتبه نخست از پاسخ دادن طفره رفتیم. حضرت برای بار سوم سلام خود را تکرار فرمودند، از خوف آنکه پیامبر اگر جوابی از جانب ما نشنود بازگردد پاسخ دادیم: «علیک السّلام یا رسول الله» بفرمایید.

پیامبر آمدند و بالای سر ما جای گرفتند و فرمودند: فاطمه جان! دیروز برای چه نیاز و خواسته‌ای نزد آمدی؟ من ترسیدم اگر فاطمه پاسخ حضرت را ندهد، حضرت از نزد ما بروند، لذا سر از لحاف درآورده عرض کردم: ای پیامبر خدا! من سبب را برای شما ذکر خواهم نمود. فاطمه زهرا آنقدر دلو آب از چاه بالا کشیده که اثر آن بر سینه‌اش باقیمانده، آنقدر سنگ آسیاب را به چرخش درآورده که دستانش پینه بسته، آنقدر خانه را زفته و جاروب کرده که لباسش خاک آلوده شده و آنقدر آتش در زیر دیگ و اجاق برافروخته که پیراهنش بوی دود گرفته لذا من به وی گفتم که اگر به محضر شما شرفیاب شد از شما خدمتکاری طلب کند تا خدمتکار او را در کارهایش یاری رساند.

رسول خدا فرمودند: آیا شما را از مطلبی آگاه گردانم که از خادم به مراتب باارزستر و بهتر باشد؟ و آن این است که چون خواستید برای خواب به بستر روید، سی و چهار مرتبه تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار تحمید بگوئید. در این هنگام فاطمه سر از لحاف بیرون

آورده گفت: از خدا و رسولش خشنودم، از خدا و رسولش خشنودم.^۱
 مؤلف گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم قصد دارد که جگر گوشه و فروغ
 دیدگان و پاره پاک تنش الگوئی کامل از نفس شریفش در پارسائی و
 زهد از دنیا و تحمّل مشقّات و دوری از لذّتها باشد به گونه‌ای که
 سزاوار گفتار حضرتش باشد که فرمود: «فاطمه، جگر گوشه‌ام می‌باشد»
 یا «تو - فاطمه - از من هستی» و پر واضح است که حضرت با بیان
 اینگونه کلمات قصد ندارند به این مطلب اشاره کنند که او - فاطمه - از
 من بوجود آمده چون این امر بسیار روشن است و حکمتی در درونش
 نهفته نیست که پیامبر نیازی به بیان آن داشته باشد، بلکه قصدشان این
 بوده که بگویند روح دخترم فاطمه، همچون روح من و نفس او چون
 نفس من و طینت و نهادش همچون نهاد من است.

نظیر قضیه فوق [که پیامبر برای مصالحی به اطرافیان خود چیزی را
 تعلیم دهد - مترجم] در مورد جعفر بن ابی طالب علیه السلام هم ذکر شده
 است.

علی علیه السلام روایت می‌کنند که: چون جعفر بن ابی طالب از حبشه
 بازگشت پیامبر برخاسته با برداشتن دوازده گام به استقبال او رفتند و او
 را در آغوش گرفته میان چشمانش را بوسیده آنگاه گریستند و فرمودند:
 نمی‌دانم به کدامیک از این دو واقعه مسرور و خوشحال‌تر باشم؟ به
 قدوم تو، ای جعفر! یا به فتحی که خدا نصیب برادرت در خیبر
 نمود...؟ آنگاه او را نمازی که به نام نماز جعفر شهرت دارد،
 بیاموختند.

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۰ - ۳۲۱.

۲- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۴.

ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمودند: ای جعفر! آیا چیزی به تو ببخشم؟ آیا هدیه‌ای به تو بدهم؟ آیا چیزی ارزانیت دارم؟ جعفر به حضرت فرمود: بلی، ای رسول خدا! حضرت صادق علیه السلام فرمودند: مردم پنداشتند که رسول خدا قصد دادن طلا یا نقره‌ای به او را دارند. لذا منتظر دادن آن عطیّه از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. پس پیامبر بدو فرمودند: من به تو چیزی می‌دهم که اگر هر روز آن را بجای آوری خیر دنیا و آخرت تو در آن نهفته است. سپس حضرت او را نماز جعفر پیاموختند.^۱

اما آنچه که معروف است این است که فاطمه علیها السلام را خدمتکاری «فضّه» نام بود. [که شاید اشکال پیش آید که چگونه این مطلب با تعلیلی که در تسبیح حضرت زهرا علیها السلام آمده قابل جمع است؟ - مترجم] این امر بعد از آنکه اولاد فاطمه زهرا زیاد شدند و کار حضرت زیاد شد و از آن طرف فتوح و غنائم معتناهی از خیبر، بنی قریظه و بنی نضیر بدست آمده بود و فقر و ناداری و رنج از مسلمین رخت بر بسته بود؛ به وقوع پیوست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «فضّه» را به حضرتش عطا نمود تا گشادگی در کار دختر گرامش پدید آید.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که: برخی از ملوک عجم کنیزی را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیشکش نمودند. من به فاطمه علیها السلام گفتم: به نزد رسول خدا برو و خادمی را به استخدام خود درآور؛ پس فاطمه علیها السلام به نزد رسول خدا شد و مطلب را با حضرت در میان نهاد... رسول خدا

بدو گفت: ای فاطمه! آیا تو را چیزی عطا کنم که از خادم و دنیا و آنچه که در اوست بهتر به تو نفع برساند؟ بعد هر نماز خدا را سی و چهار بار تکبیر گوی، سی و سه بار حمدش را به جای آور و سی و سه مرتبه تسبیحش کن و با گفتن «لا اله الا الله» ذکر خود را به پایان ببر که این امر تو را از دنیا و آنچه که در اوست بهتر نفع می‌رساند.

که حضرت زهرا علیها السلام به این تسبیح مقید بودند که بعد هر نمازی بجا آورند.^۱

تحقیق و بررسی

شیخ بهائی رحمته الله در «مفتاح الفلاح» گوید: بدان، همانا آنچه مشهور است استحباب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در دو وقت است: یکی پس هر نماز واجب و دیگر هنگام خواب. که از روایتی که وارد شده تسبیح حضرت زهرا در هنگام خواب است ظاهر می‌شود که تسبیح گفتن پیش از تحمید است اما ظاهر روایت صحیحی که در مورد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، به طور مطلق وارد شده است؛ اقتضا می‌کند که تسبیح را به تأخیر انداخته و تحمید را مقدم کنیم. (و پس از نقل این کلام مرحوم شیخ می‌افزاید:) من گویم: قائلی برای فرق نهادن میان تسبیح زهرا در دو حالت - فوق - نیافته‌ام، بلکه آنچه که بعد از تحقیق و تتبع برایم رخ نمود و آشکار شد این است که هر دو فرقه در این باب چه آنان که قائل به تقدیم تحمیدند و چه آنان که قائل به تأخیرش می‌باشند؛ قائل به این تسبیح می‌باشند، آن هم به نحو مطلق چه بعد از نماز و چه در هنگام خواب. پس قول به تفصیل و بنای نظری سوم [در مقابل دو نظر سابق

- مترجم] در مقابل اجماع مرگب واقع می شود...^۱

علامه آیه الله العظمی مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» چنین گوید: و ممکن است که میان آن دو دسته روایات جمع کرده، میان تسبیح موقع خواب و تسبیح در تعقیب نماز قائل به فرق شویم. به این صورت که در موقع خواب، تسبیح را بر تحمید مقدم داریم و در گاه تعقیب نماز بر عکس صورت نخست عمل کنیم. که این وجه خود یک شق دیگر در این مورد است و کسی قائل به آن نشده است و ظاهر یا قطع، حکم به اتحاد تسبیح زهرا علیها السلام دارد آن هم به خاطر ضرورتی که مأمور به آن باید همان عملی را در تعقیب نماز بجا آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله، زهرا علیها السلام را امر به آن در هنگام خواب نمود.^۲

محدث و فقیه بزرگ، مرحوم محمد حسن حرّ عاملی مؤلف کتاب شریف «وسائل الشیعه» گوید: از امام جعفرین محمد علیه السلام (در حدیث نافله ماه رمضان) روایت شده است که: خدا را به تسبیح فاطمه علیها السلام تسبیح گوی که تسبیح حضرت سی و چهار بار «الله اکبر» و سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» است که سوگند به خدا اگر چیزی افضل از این امر بود هر آینه رسول الله صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام می آموختند. من - صاحب وسائل - گویم: «واو» میان اجزاء تسبیح برای مطلق جمع است^۳ کما اینکه در جای خود مسطور است. پس هیچ مانعی ندارد که تقدیم تحمید بر تسبیح را، بنابر آنچه گذشت، واجب بدانیم که بر این

۱- مفتاح الفلاح، ص ۳۳۹.

۲- جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

۳- یعنی «واو» عاطفه فقط میان اجزاء رابطه برقرار می کند و دو کلمه یا چند کلمه را به هم عطف می کند و در این کار رعایت ترتیب و تقدیم و تأخیر در نظر نیست. (معنی اللبیب) - مترجم.

مطلب عمل طائفه هم مؤیدی دیگر است.

در کتاب «علل الشرایع» از احمد بن حسن قطن، از حسن بن علی سُکری، از حکم بن أسلم، از ابن علیّه، از حریری، از ابوالورد تمامه، از علی علیه السلام مانند این حدیث را نقل می‌کند فقط در روایت این افزوده وجود دارد که حضرت فرمودند: زمانی که بستر خود را گسترانیدید سی و سه مرتبه تسبیح و سی و سه مرتبه تحمید و سی و چهار مرتبه تکبیر گوید.

من گویم: این مطلب، با آنچه سابقاً گذشت و شما آن را دانستید صراحت در منافات ندارد و شاید احتمال دارد که مطالب مقدم بر خودش را نسخ نموده باشد و یا این مطلب تخصیصی باشد برای موقع خواب و یا از جهت تقیّه در روایت بوده است...^۱

در «جواهر الکلام» چنین آمده است: اما کیفیت تسبیح میان اصحاب شهرتی به سزا دارد، بلکه در «وسائل الشیعه» ادّعی عمل طائفه به سی و چهار مرتبه تکبیر، سی و سه مرتبه تحمید و سی و سه بار تسبیح گفتن شده است، بلکه بالاتر از این، در فتاوی و نصوص خلافی وجود ندارد غیر از خبری که در «علل الشرایع» آمده که به زودی به سمع و نظر شما خواهد رسید؛ و گفته شده که اکثر رجالی که در این حدیث وجود دارد از عامّه هستند.^۲

همچنین صاحب جواهر الکلام در افضلیت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام گوید: تسبیح حضرت زهرا که خداوند را به چیزی نمی‌توان حمد نمود که افضل از آن باشد، و هر آینه اگر چیزی از آن برتر بوده تحقیق پیامبر

۱- وسائل الشیعه، باب ۱۰ و ۱۱ از ابواب تعقیب.

۲- جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۹.

خدا سبحانه و تعالی آن را به دخترش ارزانی می‌داشت.^۱ این تسبیحات به گونه‌ای است که در هر روز در پس هر نماز به نزد امام صادق علیه السلام از هزار رکعت نماز در هر روز محبوبتر است و بنده‌ای که شقی باشد ملزم به آن نمی‌گردد لذا فرزندان را برای بجا آوردن آن همچون که به نماز امر می‌کردند؛ فرمان می‌دادند چون اگرچه این تسبیح صدبار به زبان جاری می‌شود ولی در حقیقت هزار است در میزان عمل که شیطان را از آدمی دور می‌سازد و رضایت خداوند را جلب می‌کند و سنگینی گوش را دفع می‌کند و بنده پای خود را بعد از خواندن نماز تکان نمی‌دهد مگر اینکه آمرزیده می‌شود و خداوند بهشت را بر او واجب می‌گرداند، بالاخص بامدادان و خصوصاً اینکه بعد از آن «لا اله الا الله» گوید و سپس استغفار کند و به سبب این تسبیح عبد را در زمره ذاکرین کثیر الذکر خدا می‌نویسند و او مستحق آنست که خداوند هم از او یاد کند چون خدای وعده کرده: «فاذکرونی اذکرکم».^۲

و برای من از «مکارم الأخلاق» حکایت شده است که روایت شده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام یکی از پنج علامت مؤمن است. . .

أفضله بمستفیض النقل تسبیحة الزهراء ذات الفضل

- برترین آنها بنا بر نقل فراوان تسبیح حضرت زهرا است که دارای فضیلت می‌باشد.

و از شیخ بهائی رحمته الله نقل است که: افضلیت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام موجب است برای تخصیص زدن حدیث «أفضل الأعمال أحمرها»^۳ اگر

۱- وسائل الشیعه، باب ۹، از ابواب تعقیب.

۲- جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۶.

۳- برترین اعمال مشقت‌بارترین آنهاست.

تفسیر بشود به اینکه افضل هر نوعی از انواع اعمال مشقت‌بارترین آن نوع است.^۱

دانه‌های تسبیح و فضیلت تربت سید الشهداء علیهم السلام

ابراهیم‌بن محمد ثقفی روایت می‌کند که: تسبیح [=مَسْبُوحه] ^۲ فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از نخ پشمین بافته شده گره خورده بود که به تعداد تکبیرات دانه داشت که با چرخاندن به وسیله انگشتان تکبیر و تسبیح می‌گفتند تا اینکه حمزه بن عبدالمطلب به شهادت رسیدند که حضرت، دانه‌های تسبیح خود را از خاک قبر حمزه تهیه کردند و مردم به تبع حضرتش چنین نمودند. چون حسین علیها السلام به شهادت رسیدند؛ مردم از تربت حمزه به تربت حسین علیها السلام عدول کردند چون هم فضیلت داشت و هم مزیت.^۳

در کتاب حسن‌بن محبوب آمده است: از امام صادق علیها السلام درباره استعمال تربت قبر حمزه و حسین علیها السلام و فرق و تفاوت میان آن دو سؤال شد؛ حضرت فرمودند:

السُّبْحَةُ الَّتِي مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیها السلام تَسْبِيحٌ بِيَدِ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْبِيحَ.

دانه‌های تسبیحی که از خاک قبر حسین علیها السلام باشد اگر در دست کسی باشد تسبیح خدا می‌کند اگر چه خود آن شخص به تسبیح حق تعالی

۱- جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۷-۳۹۸.

۲- چون در فارسی برای تسبیح و وسیله‌ای که با آن تسبیح می‌گویند دو اسم مشخص وضع نشده، لذا در مقابل وسیله تسبیح، برای عدم اشتباه، نام عربی آن را در درون کروشه ([]) ذکر کرده‌ایم - مترجم.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۱.

مشغول نباشد.^۱

و همچنین روایت شده است که: همانا حورالعین زمانی که به یکی از فرشتگان می‌نگرند که برای انجام فرمانی به زمین فرود می‌آید از او می‌خواهند که تسبیح تربت قبر حسین علیه السلام را برایشان هدیه آورد.^۲

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

المؤمن لا یخلو من خمسة: مسواک، و مشط و سجادة، و سبحة فیها أربع و ثلاثون حبة، و خاتم عقیق.

مؤمن از پنج چیز خالی نمی‌باشد: مسواک، شانه، سجاده، تسبیحی که سی و چهار دانه دارد و انگشتری عقیق.^۳

و روایت شده است که: هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام را به سوی یزید لعنة الله علیه بردند، یزید اهتمام داشت که سر از بدن حضرت جدا کند. پس حضرت را در نزد خود قرار داد و با حضرت سخن گفت و استنطاق نمود تا بدین وسیله حضرت سخنی گوید که با آن مستمسکی به وجود آید تا حضرت را به قتل برساند. حضرت هم بر طبق سؤالاتی که او می‌نمود جواب می‌دادند و در عین حال تسبیح کوچکی در دست داشتند که با انگشتان خود آن را می‌چرخاندند. پس یزید به حضرت گفت: من با تو سخن می‌گویم و تو جوابم را می‌دهی و در همان حال تسبیحی در دستت می‌گردانی! این امر چگونه ممکن است؟

حضرت فرمودند: مرا پدرم حدیث کرد، از جدّم علیه السلام که همو زمانی که نماز بامدادان را بجای می‌آورد و نافله را برپا می‌داشت سخنی

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۱.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۱.

بر زبان نمی‌راند تا اینکه تسبیح را میان دستانش قرار می‌داد و می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُسَبِّحُكَ وَ أُحَمِّدُكَ وَ أَهْلِلُكَ وَ أَكْبِّرُكَ وَ
أُجَدِّدُكَ بِعَدَدِ مَا أَدِيرُ بِهِ سُبْحَتِي.

و آنگاه تسبیح را در دست می‌گرفت و می‌چرخانید و تکلم به غیر آنچه که به تسبیح تکلم می‌نمود، می‌کرد و ذکر شده که این عمل برای او (به عنوان ثواب) به حساب می‌آمد و این عمل حرزی بود تا اینکه دوباره به بستر خود می‌رفتند. پس آنگاه در بستر خود قرار می‌گرفتند همانند قبل عمل می‌کردند و بعد تسبیح را به زیر سر می‌گذاشتند. در نتیجه در تمامی اوقات این عمل برای حضرتش به حساب می‌آمد، حال من هم اقتدا به جدم نمودم. پس یزید علیه اللعنة گفت: احدی از شما نیست که من با او سخن بگویم و او جواب مرا به آنچه مایه فوز و برتریش می‌گردد ندهد. پس حضرت را عفو کرد و امر به آزادی داد.^۱

۴ - نماز فاطمه زهرا علیها السلام

۱ - شیخ الطائفه طوسی رحمته الله فرماید: نماز فاطمه زهرا علیها السلام دو رکعت است که در رکعت اول سوره حمد را با صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم سوره حمد را با یکصد مرتبه سوره اخلاص تلاوت می‌کنی و چون سلام نماز را دادی تسبیح حضرتش را بجا آورده و سپس می‌گویی:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَادِخِ
الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ

الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

پاک و منزّه است خداوند با عزّت و سربلند و سرافراز. پاک و منزّه است خداوند با جلال و بزرگ. پاک و منزّه است خداوند دارای فرمانروایی با افتخار و دیرینه. پاک و منزّه است آن که لباس شادابی و زیبایی بر خود پوشانیده است. پاک و منزّه است آن که خود را با نور و وقار مستور ساخته است. پاک و منزّه است آن که جای پای مورچه را روی سنگ سخت می بیند. پاک و منزّه است آن که گذر پرنده را در هوا می نگرد. پاک و منزّه است آن که این چنین است و کسی همانند او نیست.

و سزاوار است کسی که این نماز را بجای می آورد چون از تسبیح فارغ شود زانوها و ساقها را برهنه نماید و تمامی مواضع سجود خود را به زمین بچسبانند آن هم بدون حاجز و حایلی. آنگاه حاجت خود را بخواهد و دعا کند آنچه می خواهد و در همان حال سجده بگوید:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبُّ يُدْعَى، يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى، يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى، يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا وَ عَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَ صَفْحًا، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.^۱

ای کسی که نیست پروردگاری جز او که خوانده شود. ای کسی که نیست بالاتر از او معبودی که ترسیده شود. ای کسی که نیست پایین تر از او پادشاهی که از او واهمه داشته باشند. ای کسی که برای او وزیری نباشد که نزد او روند ای کسی که نیست برای او پرده داری که رشوه اش دهند. ای کسی که نیست برای او دربانی که پنهانی نزد او روند. ای کسی که بر اثر کثرت درخواست فزونی نمی یابد مگر جود و کرمش. و بر فراوانی گناه مگر بخشش و چشم پوشیش. بر محمد و آلش درود فرست و فلان خواسته ام را برآور.

۲ - همچنین نماز دیگری برای حضرتش وجود دارد که در گاه رخ نمودن امر ترسناک خوانده می شود و آن بدین شرح است:

ابراهیم بن عمر صنعانی از امام صادق علیه السلام روایت کند: برای هر امر ترسناک و بزرگی دو رکعت نماز بجای آور. که این دو رکعت را حضرت صدیقه کبری هم بجای می آورده است. در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره اخلاص را قرائت می کنی و چون نماز را سلام دادی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرست آنگاه دستها را به جانب آسمان بلند کن و بگویی:

«اللَّهُمَّ اتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ بِهِمْ، وَ اتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِحَقِّهِمْ [بِحَقِّكَ] الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ: ﴿كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ فَكَانَتْ،
 وَ بِأَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَ أَشْرَفِيهَا عِنْدَكَ، وَ أَعْظَمِيهَا لَدَيْكَ، وَ
 أَسْرَعِيهَا إِجَابَةً، وَ أَنْجَحِيهَا طَلِبَةً، وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ
 مُسْتَوْجِبُهُ؛ وَ اتَّوَسَّلَ إِلَيْكَ، وَ ارْغَبُ إِلَيْكَ، وَ اتَّصَدَّقْ مِنْكَ، وَ
 اسْتَغْفِرْكَ، وَ اسْتَمْنَحْكَ، وَ اتَّضَرَّعْ إِلَيْكَ، وَ أَخْضَعُ بَيْنَ
 يَدَيْكَ، وَ أَخْشَعُ لَكَ، وَ اقْرَأْ لَكَ بِسُوءِ صَنِيعَتِي، وَ اتَّمَلَّقْ وَ
 أُلِحُّ عَلَيْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَيَّ أَنْبِيَاءِكَ وَ
 رُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ
 الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ مِنْ أَوْلِيهَا إِلَىٰ آخِرِهَا، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ،
 وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى، اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ
 تَجْعَلَ فَرْجِي مَفْرُوجًا بِفَرَجِهِمْ، وَ تَبْدَأَ بِهِمْ فِيهِ، وَ تَفْتَحَ أَبْوَابَ
 السَّمَاءِ لِذُعَائِي فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ تَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هَذِهِ
 اللَّيْلَةَ بِفَرَجِي وَ إِعْطَاءِ سُؤْلِي وَ أَمْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَقَدْ
 مَسَّنِيَ الْفَقْرُ وَ نَالَنِي الضَّرُّ وَ شَمَلْتَنِي الْخِصَاصَةُ، وَ أَلْجَأْتَنِي
 الْحَاجَةَ، وَ تَوَسَّمتُ بِالذَّلَّةِ، وَ غَلَبْتَنِي الْمَسْكَنَةُ، وَ حَفَّتْ عَلَيَّ
 الْكَلِمَةُ، وَ أَحَاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ، وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتَ
 أَوْلِيَاءَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ.

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْسَحْ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَةَ، وَ
 أَنْظِرْ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرَّاحِمَةَ، وَ ادْخُلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ،

وَ أَقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الَّذِي إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَيَّ أُسِيرُ فَكَيْفَ كُنْتَهُ، وَ
عَلَى ضَالِّ هَدْيَتِهِ، وَ عَلَى حَائِرِ أَدْيَتِهِ، وَ عَلَى فَقِيرِ أَعْيَتِهِ، وَ
عَلَى ضَعِيفِ قَوِّيَتِهِ، وَ عَلَى خَائِفِ أَمْتَتِهِ؛ وَ لَا تُخْلِنِي لِقَاءَ
لِعَدُوِّكَ وَ عَدُوِّي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ، وَ حَيْثُ هُوَ، وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ اخْتَارَ
لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ
يَقْضَى حَاجَةٌ كُلِّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ،
فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَ تُسْمِعَ
مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا
وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ
- صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ بَرَكَاتُهُ وَ رَحْمَتُهُ - صَوْتِي، فَيَشْفَعُوا لِي
إِلَيْكَ، وَ تُشَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَ لَا تُزِدْنِي خَائِبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا يَا كَرِيمٌ.^۱

پروردگارا! با نام آنان به تو روی می آورم، و به حق آنان، که جز تو
کسی از ژرفای آن آگاه نیست، به تو درمی آویزم. به حق کسی که
حق او نزد تو بسیار بزرگ است، و به نامهای نیکویت، و موجودات
کاملت، که مرا امر فرمودی با نام آنان تو را بخوانم، به تو توسل
می جویم. و به نام بزرگت، که به ابراهیم امر فرمودی که با آن پرنده

را ندا دهد و پرنده او را پاسخ گفت. و به نام بزرگت، که به آتش فرمان دادی که بر ابراهیم سرد و سلامت باشد، و آتش چنین شد. به محبوبترین نامهایت، و شریفترین آنها در پیشگاهت، و بزرگترین آنها نزد تو، و به نامهایت که اجابت دعا با آنها سریعتر انجام می‌پذیرد و به مقصود بهتری نائل می‌شویم. و به آنچه تو شایسته‌اشی، تو را می‌خوانم، و به تو توّسل جسته، و به تو روی می‌آورم، و از تو کمک خواسته، و طلب بخشش گناه و احسان و فضل تو را دارم، و در پیشگاهت زاری کرده و خضوع و خشوع می‌نمایم، و به کردار زشتم اقرار کرده، و بر تو اصرار می‌نمایم. و به حق کتابهایی که بر پیامبران و رسولانت - که درود تو بر تمامی آنان باد - فرستادی، از تورات و انجیل و قرآن بزرگ و دیگر کتب، که اسم اعظم تو در آنهاست، و به حق نامهای بزرگ تو که در آنست، به تو نزدیکی می‌جویم.

و از تو می‌خواهم، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و بر آنان گشایش عطا فرمایی، و گشایش کار مرا مقرون به گشایش کار آنان قرار دهی، و آنان را در هر کار نیکی مقدم کرده و از ایشان آغاز نمایی. و در این روز درهای آسمان را برای دعایم بگشایی، و در این روز و این شب به گشایش کارم و دادن حاجتم در دنیا و آخرت، اجازه صادر فرمایی. به راستی که فقر و بیچارگی مرا در خود فروبرده، و پریشان حالی بر من غالب آمده، و نیاز و حاجت مرا به تو پناهنده ساخته، و ذلت و مسکنت بر چهره‌ام نقش بسته، و درماندگی بر من چیره شده، و رأفت و رحمت بر من لازم گردیده، و گناه مرا احاطه نموده است، و این زمان، زمانی است که به دوستان و وعده اجابت دعا را داده‌ای. پس بر محمد و خاندانش درود فرست،

و آنچه از فقر و بیچارگی که مرا در خود گرفته، با قدرتت از من دور دار، و با چشم رحمتت بر من نظر افکن، و مرا در رحمت واسعه خود داخل ساز، و به من توجه در نماز عطا فرما. توجهی که هرگاه بر اسیری افتد او را آزاد سازد، و آنگاه که بر گمراهی افتد هدایت شود، و آن هنگام که بر حیران و سرگردانی افتد او را از حیرت رها سازد، و وقتی بر فقر افتد او را بی نیاز گرداند، و آن زمان که بر ناتوانی افتد نیرومند گردد، و هرگاه بر خائفی افتد او را ایمنی دهد. مرا در معرض دشمنان خود و دشمنانم قرار مده، ای صاحب جلال و بزرگواری. ای کسی که هیچکس جز تو به کیفیت و جایگاه و قدرتت آگاه نیست. ای کسی که [راه] هوا را با آسمان بست، و زمین را بر روی آب گستراند، و بهترین نامها را برای خود برگزید. ای کسی که خود را به نامی نامید، که حاجت هر که با آن نام او را بخواند مستجاب می شود. از تو می خواهم به آن نام، که برای من شفیع نیرومندتر از او وجود ندارد، حاجتم را برآوری. و به حق محمد و خاندانش، از تو می خواهم که بر محمد درود فرستی، و حاجت‌هایم را روا فرمایی، و صدایم را به گوش محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن، حجت که درود تو و برکات و رحمتت بر آنان باد. برسانی، تا برایم نزد تو شفاعت کنند و آنان را شفیع گردانی، و مرا ناامید ننمایی. به حق آنکه خدایی جز تو نیست، و به حق محمد و خاندانش، حاجاتم را روا ساز، ای بخشنده.

زاهد عابد سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: صفوان روایت کرده است که: محمد بن علی حلبی بر امام صادق علیه السلام در روز جمعه داخل شد و به حضرت عرضه داشت: مرا افضل آنچه که در چنین روزی انجام

می دهند بیاموزید؟ حضرت فرمود: ای محمد! احدی را بزرگتر و جلیل‌القدرتر از فاطمه علیها السلام در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سراغ ندارم و عملی با فضیلت‌تر از آنچه که پدرش، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بدو آموخت نمی‌شناسم. آنگاه حضرت افزودند: هر که داخل صبحگاهان جمعه شد پس غسل کند و بر پا بایستد آنگاه چهار رکعت نماز را با دو سلام بجای آورد بدین صورت که در رکعت اول بعد از حمد، سورهٔ اخلاص را پنجاه مرتبه و در رکعت دوم پس از سوره فاتحه‌الکتاب، سورهٔ والعیات را پنجاه مرتبه و در رکعت سیم پس از سورهٔ حمد، سورهٔ زلزله را پنجاه مرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد، سورهٔ نصر را پنجاه مرتبه - که این سورهٔ نصر آخرین سوره‌ایست که نازل شده است - تلاوت کند و چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند:

«الهی و سیدی، مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَالْيَا إِلَهِي كَأَنْتَ تَهَيَّيْتِي وَ تَعَيَّيْتِي وَ أَعْدَدْتِي وَ اسْتَعْدَدْتِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلَا تَحْرِمْنِي ذَلِكَ، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ

بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنِّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاةِ،
 أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ،
 فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
 يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ.^۱

ای معبودم و ای آقایم! هر کسی مهیبا و مجهز و آماده و توشه
 برگرفته است، تا به امید صله و عطا و بهره و عطیه و بخشش و
 جایزه‌ای نزد مخلوقی برود، اما مهیبا شدنم، و مجهز بودنم، و
 آمادگیم، و توشه برگرفتم، به امید بهره‌هایت و نیکی شناخته
 شده‌ات، و عطیه مطلوبت و جایزه‌هایت، به سوی توست، ای
 معبودم! پس مرا از لطف خود محروم مساز ای آنکه درخواست
 درخواست کننده‌ای نزد او ضایع نشود، و بخشش بخشش
 خواهنده‌ای در او کاستی پدید نیاورد، چرا که من با عمل صالحی که
 قبلاً انجام داده‌ام، و یا شفاعت مخلوقی که امید بدو بسته‌ام، و
 تقرّب بدو جسته‌ام، نزد تو نیامده‌ام، بلکه به شفاعت محمد
 خاندانش - که درود تو بر او و خاندان پاکش باد - به درگاه تو آمده‌ام،
 و امیدوار به عفو و بخشش بزرگت، که بر خطاکارانی که محرمات تو
 را انجام داده‌اند، وعده داده‌ای می‌باشم. آنگونه که پافشاری طولانی
 آنان در انجام امور حرام، تو را از بخشش وجود به آنان بازداشت. و
 تو ای آقای من! بسیار نعمت دهنده‌ای و من بسیار خطاکارم، به
 حقّ محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگم را
 ببخشایی؛ چرا که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشد. ای بزرگ، ای
 بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ.

شیخ صدوق رحمته الله (با حذف إسناد) از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام

نقل کند که:

هر کس چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت پنجاه مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند، نماز فاطمه علیها السلام را بجای آورده که این نماز، نماز توبه کنندگانست.

شیخ ما محمد بن حسن بن ولید (رضی الله عنه) این نماز و ثوابش را روایت نموده است الا اینکه فرموده: من این نماز را به نماز فاطمه علیها السلام نمی شناسم، اما اهل کوفه آن را به نماز فاطمه علیها السلام می شناسند.^۱

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کند که: هر کس وضو سازد و چهار رکعت نماز گزارد و میان این چهار رکعت با سلام فاصله اندازد و در هر رکعت سوره فاتحة الكتاب را با پنجاه بار سوره «قل هو الله أحد» تلاوت کند، نافله را به پایان می برد در حالی که میان او و خدایش گناهی باقی نمی ماند مگر که آن را می آمرزد.^۲

از ابوبصیر نقل شده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هر کس چهار رکعت نماز [با دو سلام] به همراه دو یست بار «قل هو الله احد» - یعنی در هر رکعت پنجاه مرتبه - گزارد نافله را به پایان می برد در حالی که میان او و خداوند عز و جل گناهی باقی نمی ماند مگر که آن را می آمرزد.^۳

سید بن طاووس گوید: از آقای ما، رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است که به امیرالمؤمنین و به دخترشان، فاطمه فرمودند: سر آن دارم که

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۳، باب «استحباب صلاة فاطمه علیها السلام و کیفیتها».

۳- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۴، باب «استحباب صلاة فاطمه علیها السلام و کیفیتها».

چیزی را از خیر و برکت به شما دهم از آن چیزهایی که خداوند عزوجل مرا تعلیم نمود و بر آن آگاهم ساخت، پس آن را حافظ و نگاهدار باشید. آن دو گفتند: بلی، ای رسول خدا، پس آن چیست؟ حضرت فرمود: هر کدامتان دو رکعت نماز می‌گزارید که در هر رکعت آن فاتحة الكتاب را به همراهی سه بار آیه الکرسی و سه مرتبه سوره اخلاص و سه مرتبه آخر سوره حشر از ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ﴾ تا به آخر سوره تلاوت می‌کنید. پس آنگاه که نشستید تشهد می‌خوانید و ثنای بر خدای عزوجل و صلوات و درود بر پیامبرش و دعای برای مؤمنین و مؤمنات می‌فرستید و سپس بر این اسلوب دعا می‌خوانید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ يَحِقُّ عَلَيْكَ فِيهِ إِجَابَةٌ
الدُّعَاءِ إِذَا دُعِيَ بِهِ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ عَلَيْكَ وَ
أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ جَمِيعٍ مَا هُوَ دُونَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ
كَذَا.^۱

خداوندا! به حق هر اسمی که از اسمی توست از تو می‌خواهم، بر خود فرض بدانی که دعایی را که با آن تو را می‌خوانم اجابت نمایی. و از تو می‌خواهم به حق هر صاحب حقی، و حق تو بر تمامی آنان که زبردست تو هستند که فلان حاجتم را برآورده به خیر سازی.

همو علیه السلام در کتاب «زوائد الفوائد» پس از ذکر زیارت مختصری برای حضرتش علیه السلام که معروف هم می‌باشد؛ گوید: این مختص به چنین روزی است - یعنی روز سوم جمادی الآخر که روز وفات حضرتش باشد - و

نماز زیارت یا نماز حضرتش را بجای آور که بدین منوال است: دو رکعت می خوانی که در هر رکعت می بایست فاتحة الكتاب و شصت بار سورة اخلاص را تلاوت کنی.^۱

شیخ جلیل، حسن بن فضل طبرسی رحمته الله گوید: نماز یاری جستن از بتول علیها السلام بدین صورت است: دو رکعت نماز می گزاری سپس سر به سجده نهاده، یکصد مرتبه می گویی «یا فاطمة». آنگاه طرف راست صورت را بر زمین (یا مهر) قرار داده همان ذکر را با همان تعداد تکرار می کنی، پس از آن جانب چپ صورت را بر زمین می نهی و ذکر را تکرار می کنی و در آخر الامر سر به سجده قرار داده و یکصد و ده بار «یا فاطمة» را تکرار کرده می گوئی:

يَا اٰمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، اَسْأَلُكَ
بِاٰمِنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِيَنِي اٰمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي
وَ وُلْدِي حَتَّى لَا اَخَافَ اَحَدًا وَ لَا اُحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا، اِنَّكَ
عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۲

ای کسی که از هر چیزی ایمن هستی و هر چیزی از تو ترسان و برحذر است. از تو می خواهم که به امنیت خودت از هر چیز و ترس همه چیز از تو، بر محمد و آلش درود فرستی و به من امنیت جان و خانواده و مال و فرزندان عطا فرمایی بدان گونه که از کسی نترسم و از چیزی برحذر نباشم که تو بر آنچه خواهی توانایی.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۳۳۰، باب «نوادر الصلوات».

از امام صادق علیه السلام منقول است: هر یک از شما حاجتی به درگاه
خدای تعالی دارد، دو رکعت نماز بجای آورد پس از آن به سجده رفته
بگوید:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا عَلِيُّ يَا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ!
بِكُمْمَا أَسْتَعِيْثُ اِلَى اللَّهِ تَعَالَى، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ! اَسْتَعِيْثُ بِكُمْمَا،
يَا غَوْثَاهُ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ - نام ائمه را بر زبان
جاری کن - بِكُمْ اَتَوْسَلُّ اِلَى اللَّهِ.

که ان شاء الله تعالی در همان ساعت حاجت برآورده می شود.^۱
محدث قمی رحمته الله علیه گوید: زمانی که حاجتی به درگاه رب العالمین داشتی
که سینهات از آن به تنگ آمده بود پس دو رکعت نماز گزار؛ چون سلام
نماز را دادی سه بار تکبیر گفته تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آور.
پس از آن به سجده رفته یکصد بار «یا مولاتی یا فاطمة اُغیثینی» بازگو،
سپس جانب راست صورت و بعد جانب چپ را بر خاک نه و هر بار
این ذکر را صد مرتبه تکرار کن و در آخر به سجده رفته یکصد و ده
مرتبه ذکر یاد شده را تکرار کن که اگر خدا بخواهد حاجتت برآورده به
خیر خواهد شد.^۲

۵ - سایر ادعیه، تسبیحات و تعقیبات حضرت زهرا علیها السلام

۱ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فاطمه علیها السلام وارد شدند، و مشاهده فرمودند
که حسن علیه السلام در بستر بیماری افتاده است. این منظره برای پیامبر سخت

۱- مکارم الاخلاق، ص ۳۳۰، باب «نوادر الصلوات».

۲- در حاشیه «مفاتیح الجنان».

و جانکاه بود که جبرئیل علیه السلام از آسمان فرود آمد و گفت: ای محمد! آیا می خواهی تعویذی تو را بیاموزم که چون آن را بخوانی بیماری وی برطرف گردد؟ حضرت فرمودند: بلی، جبرئیل امین گفت: پس بگو:

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، ذُو السُّلْطَانِ الْقَدِيمِ وَالْمَنْ
الْعَظِيمِ وَالْوَجْهِ الْكَرِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَلِيُّ
الْكَلِمَاتِ التَّامَاتِ وَالدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، حُلٌّ مَا أُصْبِحَ
بِفُلَانٍ.^۱

خداوندا، خدایی جز تو نیست که والا و بزرگ، دارای قدرت دیرینه و بخشش فراوان و ذات گرمی هستی. خدایی جز تو نیست که والا و بزرگ، صاحب کلمات تامه و دعاهاى مستجاب هستی، بیماری فلانی را برطرف فرما.

حضرت این دعا را خواند و بعد دستش را بر پیشانی امام حسن گذاشت، که به یاری خداوند بهبود یافت.

دعای برای ادای قرض

۲ - روایت شده که فاطمه علیها السلام به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند، پیامبر خدا بدو فرمودند: آیا تو را توشه ای دهم؟ فاطمه علیها السلام عرض کردند: بلی، حضرت فرمودند: با من بگو:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ،
فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ
بِنَاصِيئِهَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ

بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ
فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ اغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَ يَسِّرْ
لِي كُلَّ الْأَمْرِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

خداوندا! پروردگار ما و پروردگار هر چیز، -ای - فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن، -ای - شکافنده دانه و هسته، از شر هر جنبنده ای که زندگیش به دست توست، به تو پناه می برم.

تو سر آغازی که پیش از تو چیزی نبوده، و ختامی که در پس تو چیزی نخواهد بود. ظاهری هستی که برتر و آشکارتر از تو چیزی نیست، و باطنی هستی که فروتر و نهان تر از تو چیزی وجود ندارد. بر محمد و خاندانش درود فرست و قرضم را ادا کن، و مرا از نیازمندی رهایی بخش، و تمامی کارها را برایم آسان فرما، ای مهربان ترین مهربانان.

دعا برای برطرف شدن تب

۳ - سلمان فارسی رضی الله عنه در فرازی از یک حدیث بلند گوید: به حضرت زهرا علیها السلام عرض کردم: ای بانوی من! مرا کلامی بیاموزید. پس حضرت فرمودند: اگر مسرورت می کند تا زمانی که در این دنیا زندگی می کنی تب تو را نیازارد بر این مواظبت کن. سلمان می گوید: حضرت این حرز را به من آموختند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ التُّورِ،

بِسْمِ اللَّهِ نُورٍ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ
الَّذِي خَلَقَ الثُّورَ مِنَ الثُّورِ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الثُّورَ مِنَ
الثُّورِ وَ أَنْزَلَ الثُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابِ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ
مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ
بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ
مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۱

به نام خداوند بخشنده و مهربان، به نام خداوند نور، به نام خداوندی
که نور در نور است، به نام خداوندی که نور بر نور است، به نام
خداوندی که تدبیر امور به دست اوست، به نام خداوندی که نور را از
نور آفرید.

سیاس خداوندی را سزاست که نور را از نور آفریده، و نور را بر کوه
طور نازل فرمود، در کتابی نوشته شده، در کاغذی گشوده شده، به
اندازه‌ای معین، بر پیامبری بزرگ.

سیاس شایسته خداوندی است که به ارجمندی یاد شده، و به فخر و
افتخار شهرت یافته، و در حال رنج و سرور مورد شکرگزاری است.
و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاکش باد.

دعا برای مهمّات

۴ - از حسن بن علی، از مادرش فاطمه دخت رسول رب العالمین نقل
است که حضرتش فرمود: رسول خدا به من فرمودند: ای فاطمه! آیا
می‌خواهی دعائی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نخوانده مگر دعایش

به هدف اجابت رسیده و سمّ و سحر در صاحب آن مؤثر نمی‌افتد و شیطان هیچ زیانی به او نمی‌رساند و دعای صاحب آن رد نمی‌گردد و حوائج او که رنگ الهی دارد به تمامی خواه دور خواه نزدیک برآورده می‌شود؟ فاطمه علیها السلام فرمودند: بلی، ای پدرم! این به خدا قسم از دنیا و آنچه در اوست به نزد من محبوبتر است. حضرت آنگاه فرمودند: پس بگو:

ياَ اللهُ، ياَ اَعَزَّ مَذْكُورٍ وَّ اَقْدَمَهُ قِدْماً فِي العِزَّةِ وَ الجَبَرُوتِ ! ياَ اللهُ، ياَ رَحِيمَ كُلِّ مُسْتَرْحِمٍ، وَ مَفْرَعِ كُلِّ مَلْهُوفٍ ! ياَ اللهُ، ياَ راحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَثَّهُ وَ حَزَنَهُ إِلَيْهِ ! ياَ اللهُ، ياَ خَيْرَ مَنْ طَلِبَ المَعْرُوفُ مِنْهُ وَ اسْرَفَ فِي العَطَاءِ ! ياَ اللهُ ياَ مَنْ تَخَافُ المَلائِكَةُ المَتَوَقِّدَةَ بِالنُّورِ مِنْهُ، اَسْأَلُكَ بِالْأَسْماءِ الَّتِي تَدْعُو بِها حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ مَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ يُسَبِّحُونَ بِها شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عَذابِكَ، وَ بِالْأَسْماءِ الَّتِي يَدْعُونَ بِها جِبْرائيلَ وَ ميكَائيلَ وَ إِسْرَافيلَ إِلاَّ أَجَبْتَنِي وَ كَشَفْتَ ياَ إِلَهِي كُرْبَتِي، وَ سَتَرْتَ ذُنُوبِي، ياَ مَنْ ياْمُرُ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ فَإِذاهُمْ بِالسَّاهِرَةِ، اَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الإِسْمِ الَّذِي تُحْيِي بِهِ العِظامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي، وَ تَشْرَحَ صَدْرِي وَ تُصَلِّحَ شَأْنِي.

ياَ مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالبَقَاءِ، وَ خَلَقَ لِبرِيَّتِهِ المَوْتَ وَ الحِياةَ، ياَ مَنْ فَعَلَهُ قَوْلٌ، وَ قَوْلُهُ أَمْرٌ، وَ أَمْرُهُ ما ضَرَّ عَلَيَّ ما يَشَاءُ، اَسْأَلُكَ بِالإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ خَليلُكَ حِينَ القِي فِي النَّارِ، فَاسْتَجَبْتَ

لَهُ وَقُلْتَ: « يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ »^۱، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ، وَ تُبَّتَ بِهِ عَلَيَّ دَاوُدُ، وَ سَخَّرْتَ بِهِ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ، وَ الشَّيَاطِينَ، وَ عَلَّمْتَهُ مَنَاطِقَ الطَّيْرِ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ بِهِ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَ خَلَقْتَ عَيْسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيِّينَ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَ جَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْءٍ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أُعْطَيْتَنِي سُؤْلِي، وَ قَضَيْتَ بِهَا حَوَائِجِي.^۲

ای خدا، ای گرامی‌ترین نامی که یاد شده، و دیرینه‌ترین نام در شکوه و فرمانروایی. ای دلسوز بر هر که از او طلب شفقت کند، و پناه هر که به او پناه برد. ای دلسوز بر هر اندوهگینی که شکوه و شکایت بسوی او برد. ای بهترین کسی که از او خوبی درخواست می‌شود و او به سرعت آن را برآورده می‌سازد. ای کسی که فرشتگان نورانی - هم - از - خوف - او در هراسند. به حق نامهایی که حاملان عرش، و آنان که در اطراف آن قرار دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می‌گویند و تو را

۱- انبیاء، ۶۹:۲۱.

۲- دلائل الامامة، ص ۶ و مهج الدعوات، ص ۲۰۷.

بدان نامها می‌خوانند، و به حقّ نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی و مشکلم را برطرف کرده، گناهم را ببوشانی.

ای کسی که به فرمان او نفخهٔ صور در میان موجودات دمیده شود تا آنان در اجتماع بزرگ رستخیز گرد هم آیند، به حقّ آن نامی که بدان استخوانهای پوسیده را حیاتی دوباره می‌بخشی از تو می‌خواهم که قلبم را زنده، سینه‌ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمایی.

ای کسی که بقا و جاودانگی را ویژهٔ خود قرار داد، و مرگ و زندگی و فنا را حصّه و سهم موجوداتش. ای کسی که دانشش منطبق بر گفتارش، و گفتارش همانند فرمانش، و فرمانش بر هرچه خواهد جاری است. به حقّ آن نام که خلیلت - آنگاه که در آتش انداخته می‌شد - تو را بدان خواند و تو دعایش را اجابت نمودی و گفتی: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و به آن نامت که موسی از کنار کوه طور ایمن تو را بدان خواند و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسی را از روح‌القدس آفریدی، و به نامی که یحیی را به زکریّا بخشیدی، و به نامی که رنج و مشقت را از ایوب مرتفع ساختی و به نامی که توبهٔ داود را پذیرا گشتی و بادها را برای سلیمان سر به فرمان نمودی تا به امر او به گردش درآیند، و همچنین گروه جنیان را برای او مستخر کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و به نامی که عرش را با آن برافراشتی، و جهان را آفریدی، و فرشتگان را ایجاد کردی، و جنّ و انس را لباس وجود پوشانیدی، و به نامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی، و به نامی

که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شدی. به حق این نامها از تو می‌خواهم که حاجتم را برآوری، و درخواستهایم را اجابت فرمایی. که پس از خواندن این دعا پاسخ مثبت خواهی شنید.

دعا در حوائج

۵ - اللَّهُمَّ تَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ اسْتُرْنِي وَ عَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي. اللَّهُمَّ لَا تَعْنِي فِي طَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْهُ لِي، وَ مَا قَدَّرْتَهُ عَلَيَّ فَاجْعَلْهُ مُيسِّرًا سَهْلًا. اللَّهُمَّ كَافٍ عَنِّ وَالِدَيَّ وَ كُلِّ مَنْ نِعِمُّهُ عَلَيَّ خَيْرَ مُكَافَاةٍ. اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ، وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ، وَ لَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ. اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِي فِي نَفْسِي، وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي، وَ أَلْهِمْنِي طَاعَتَكَ، وَ الْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ، وَ التَّجَنُّبَ مِمَّا يُسْخِطُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

خداوندا! مرا بدانچه داده‌ای قانع گردان، و عیوبم را ببوشان، و مرا سلامت دار، و مرا بیامرز، و مشمول رحمتت قرار ده. خداوندا! مرا بر آنچه برایم مقدر ساخته‌ای به زحمت میفکن، و آنچه را برایم مقدر نموده‌ای سهل و آسان گردان. پروردگارا! پدر و مادر و هر که را بر من حقی دارد به بهترین وجه پاداش ده. خداوندا! مرا تنها در آن هدفی که خلق کرده‌ای مشغول نما، و در آنچه خود متکفل آن

شده‌ای مشغول نساز. بارالها! نفسم را ذلیل، و پایداری را در نفسم افزون گردان، و طاعتت و عمل به آنچه مورد رضایت توست، و دوری از آنچه مورد غضب تو می‌باشد، را به من الهام کن، ای بهترین رحم‌کنندگان.

دعا برای خلاصی از حبس و تنگدستی

۶ - اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلاَهُ، وَ بِحَقِّ الْوَحْيِ وَ مَنْ أَوْحَاهُ، وَ بِحَقِّ النَّبِيِّ وَ مَنْ نَبَّأَهُ، وَ بِحَقِّ الْبَيْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ، يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ آتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلاً، بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً^۱.

بار خدایا! سوگند به عرش و کسی که آن را برافراشت. سوگند به وحی و آن که آن را نازل کرد. و به حق پیامبر و آن که او را به نبوت رسانید، و به حق خانه کعبه و کسی که آن را بساخت. ای شنونده هر آوا، ای جمع کننده هر از دست رفته، ای خالق جانها بعد از مرگ، بر محمد و خاندانش درود فرست، و به ما و تمامی زنان و مردان مؤمن در شرق و غرب زمین، هرچه سریعتر از جانب خود گشایش عنایت فرما. به شهادت آن که خدایی جز تو نیست، و محمد - که درود و سلام خدا بر او و آل پاکش باد - بنده و فرستاده توست.

از جمله تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

۷ - سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، سُبْحَانَ مَنْ اَحْتَجَبَ فِي سَبْعِ سَمَوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ. سُبْحَانَ مَنْ اَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ، وَ اعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ. سُبْحَانَ مَنْ يَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ سِوَاهُ. سُبْحَانَ مَنْ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ ارْتَضَاهُ. سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ. سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ.^۱

پاک و منزّه است خدایی که با نیرو و قدرت روشن و آشکار است. پاک و منزّه است کسی که در آسمانهای هفتگانه پنهان است، و از این رو چشمی او را نمی بیند. پاک و منزّه است کسی که بندگان را با مرگ خوار و خفیف ساخت، و با زندگی جاویدان خود را عزیز و گرمی نمود. پاک و منزّه است کسی که باقی می ماند و هر چیز جز او فانی می گردد. پاک و منزّه است کسی که حمد و ستایش را ویژه خود قرار داده، و از آن خشنود شده است. پاک و منزّه است خداوند زنده دانا. پاک و منزّه است خداوند بردبار و بزرگوار. پاک و منزّه است خداوند قدرتمند و مقدّس. پاک و منزّه است خداوند والا و بزرگ. پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص اوست.

دعای حضرت در مکارم

۸ - اللَّهُمَّ بَعْلَمِكَ الْغَيْبِ، وَ قُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْسِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِخْلَاصَ، وَخَشْيَتَكَ فِي الرِّضَا وَ
 الْعُضْبِ، وَالْقُصْدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَ
 أَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَ
 أَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ،
 وَ الشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ.
 اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مَهْدِيِّينَ، يَا رَبَّ
 الْعَالَمِينَ.^۱

خداوندا! به حق آن که غیبها را می‌دانی، و به تواناییات بر تمامی
 موجودات مرا زنده بدار تا آن هنگام که می‌دانی زندگی برایم
 نیکوست، و بمیران آن زمان که خیر و صلاحم را در مرگم می‌دانی.
 خداوندا! اخلاص و ترس از خودت را در هنگام خشنودی و غضب،
 و میانه‌روی را در بی‌نیازی و در نیازمندی از تو خواستارم، و از تو
 نعمتی را می‌خواهم که پایانی نداشته باشد، و خشنودیی را طلب
 می‌کنم که پایان نپذیرد. بارالها! خشنودی به قضا و حکم تو را
 می‌خواهم و از تو زندگی نیکو بعد از مرگ و دیدار رویت و شوق به
 ملاقات تو را، بدون آن که پریشان‌حالی و رنجی در آن باشد یا در
 آشوبی تیره و تار قرار گیرم، خواستارم. پروردگارا! ما را به زینت
 ایمان مزین فرما، و ما را هدایتگرانی قرار ده که مشمول هدایت تو
 قرار گرفته باشیم، ای پروردگار جهانیان.

۹ - حرز فاطمه علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ
فَاغْنِنِي، وَ لَا تُكَلِّبْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا، وَ اُصْلِحْ لِي
شَأْنِي كُلَّهُ.^۱

به نام خداوند بخشنده و مهربان، ای زنده، ای پایدار، به سبب
رحمتت پناه می‌جویم، پس به فریادم برس و لحظه‌ای مرا به خودم
وامگذار و تمامی کارهایم را اصلاح گردان.

دعای حریق

۱۰ - شیخ طوسی و کفعمی - رحمهما الله - گویند: سپس دعا کن به دعای
کامل که به «دعای حریق» مشهور است،^۲ پس بگو:

۱ - [حاشیه مفاتیح الجنان به نام: «الباقیات الصالحات»، ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

۲ - کفعمی در حاشیه «بلد الامین»، ص ۵۵ گوید: همانا نام‌گذاری این دعا به «دعای حریق» بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام می‌باشد که حضرت فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: با پدرم، علی بن الحسین علیه السلام در «قبا» به عبادت پیرمردی از انصار رفته بودیم که کسی نزد پدرم آمد و گفت: به خانه‌ات برو که در آتش می‌سوزد. پدرم گفت: به خدا سوگند، خانه من نمی‌سوزد. او رفت و با جماعتی از موالیان ما بازگشت و در حالیکه همه گریه می‌کردند به پدرم گفتند: به خدا سوگند، خانه شما در آتش می‌سوزد، پدرم گفت: نه به خدا نمی‌سوزد، که من به پروردگارم و آنچه که در دستم موجود است مطمئن‌تر از شمایم. سپس کاشف به عمل آمد که تمامی خانه‌های اطراف سوخته‌اند ولی خانه ما سالم مانده بود. آنگاه پدرم (حضرت باقر) به پدرشان زین العابدین عرض کرد: ای پدر، جریان چیست؟ حضرت فرمود: ای فرزندم، چیزی است که از علم پیامبر صلی الله علیه و آله به ما ارث رسیده که برای ما از دنیا و مافیها و مال و جاه عزیزتر و از مردان آماده رزم و سلاحهای مهیا کارسازتر است. آن هدیه‌ای است که جبرئیل علیه السلام به پیامبر عطا نموده است که پیامبر، علی و دخترش فاطمه علیهما السلام را پیاموخت و به ما به ارث رسیده است و آن دعای کاملی است که هر کس در هر روز آن را مقدم بدارد [بخواند] خداوند تعالی هزار ملک را وکیل می‌کند که او و اهل و فرزندان و خشم و دوستانش را که به آنها توجه دارد از آتش و غرق و... حفظ کنند....

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ - وَكَفَى بِكَ شَهِيداً - وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ
وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَبْعِ سَمَوَاتِكَ وَ أَرْضِيكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ
وَرَثَةَ أَنْبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَاشْهَدْ
لي - وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً - أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ،
وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ
مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَحَلٌّ
مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْرَمُ وَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ
الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ
الْمَادِحِينَ فَخَرَّ مَدْحِهِ، وَ عَدَى وَصَفَ الْوَاصِفِينَ مَا تَرْتَحَمُهُ، وَ جَلَّ عَنْ
مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ
أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ.

سه بار و بعد می گوئی :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ
أَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ، وَ الظَّاهِرُ وَ
الْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يا زده مرتبه و بعد می گوئی :

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ
إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَدَدَ خَلْقِهِ، وَ زِنَةَ عَرْشِهِ،
وَ مِلْءَ سَمَوَاتِهِ وَ أَرْضِيهِ، وَ عَدَدَ مَا جَرَى بِهِ قَلَمُهُ، وَ أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَ

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَ رِضَاهُ لِنَفْسِهِ.

يأزده مرتبه و بعد بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمُبَارَكِينَ، وَ صَلِّ عَلَى جِبْرِيلَ وَ
مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ
أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى
مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ صَلِّ عَلَى رِضْوَانٍ وَ خَزَنَةِ الْجَنَانِ، وَ صَلِّ عَلَى
مَالِكٍ وَ خَزَنَةِ النَّيرانِ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ
بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَ الْحَفَظَةِ
لِبَيْتِ آدَمَ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَ مَلَائِكَةِ الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَ
مَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ الْأَرْضِ وَ الْأَفْطَارِ، وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ، وَ
الْبَرَارِيِّ وَ الْفُلُوتِ، وَ الْقَفَارِ، وَ الْأَشْجَارِ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ
أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ وَ عِبَادَتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ
حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى آبِنَا آدَمَ وَ أُمَّنَا حَوَاءَ
وَ مَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ، وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَ
عَلَى أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ، وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بِشِيرٍ

بِمُحَمَّدٍ، وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَ لَدَ مُحَمَّدًا وَ عَلَى كُلِّ مَنْ فِي صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
رَضِيَ لَكَ وَ رَضِيَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ
حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
وَ أَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا
أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ (عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ) عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي
لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيَ
عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ
عَلَيْهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ شَعْرَةٍ وَ لَفْظَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ
نَفْسٍ وَ صِفَةٍ وَ سُكُونٍ وَ حَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّيَ عَلَيْهِ وَ مِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَ
بَعْدَ سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سَكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِيقَاتِهِمْ وَ
صِفَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِّيهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أُنْبُسَارِهِمْ وَ بَعْدَ
زَنَةِ ذَرٍّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ
كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مَضَاعِفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا خَلَقْتَ وَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمَنْنُ

وَ الْفَضْلُ وَ الطَّوْلُ وَ الْخَيْرُ وَ الْحُسْنَى وَ النَّعْمَةُ وَ الْعَظْمَةُ وَ الْجَبْرُوتُ وَ الْمُلْكُ وَ الْمَلَكَوتُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْفَخْرُ وَ الْقَهْرُ وَ السُّودُدُ وَ الْإِمْتِنَانُ وَ الْكِرْمُ وَ الْجَلَالُ وَ الْإِكْرَامُ وَ الْخَيْرُ وَ التَّوْحِيدُ وَ التَّمَجِيدُ وَ التَّهْلِيلُ (و التَّكْبِيرُ) وَ التَّقْدِيسُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الْمَغْفِرَةُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْعَظْمَةُ وَ لَكَ مَا زَكَ وَ طَابَ وَ طَهَرَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَدِيحِ الْفَاخِرِ وَ الْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَ تَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ، وَ هُوَ رَضِيَ لَكَ؛ حَتَّى يَتَّصِلَ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِ الْحَامِدِينَ، وَ ثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوْلِ الْمُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ، وَ تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوْلِ الْمُهْلَلِينَ، وَ تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوْلِ الْمُكَبِّرِينَ، وَ قَوْلِي الْحَسَنُ (الْجَمِيلُ) بِقَوْلِ أَوْلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمَلِينَ الْمُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ، وَ بَعْدَ زِنَةِ ذَرِّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ الرَّمَالِ وَ التَّلَالِ وَ الْجِبَالِ وَ عَدَدِ جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ عَدَدِ الثَّرَى وَ الْحَصَى وَ التَّوَى وَ الْمَدْرِ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَلِكَ (كُلِّهِ) وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى، وَ بَعْدَ حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ وَ عَدَدِ أَرْمَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ شَعَائِرِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِّيهِمْ وَ سَكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ، وَ عَدَدِ زِنَةِ مَا عَمَلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطَنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذَلِكَ وَ أَضْعَافِ ذَلِكَ وَ كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَ لَا يَحْصِيهَا غَيْرُكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. وَ

أَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ اسْتَحَدْتُنَاكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيَشْرِكُكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ، وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا، أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَائِلُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ وَ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

أُعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ قَرَابَاتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَحِمٍ دَخَلَ لِي فِي الْإِسْلَامِ أَوْ يَدْخُلُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ خِزَانَتِي وَ خَاصَّتِي وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسَدَى إِلَيَّ يَدًا أَوْ رَدَّ عَنِّي غَيْبَةً أَوْ قَالَ فِيَّ خَيْرًا أَوْ آتَخَذْتُ عِنْدَهُ يَدًا أَوْ ضَيْعَةً وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُتَعَالِيَةِ الزَّكَايَةِ الشَّرِيفَةِ الْمَنِيعَةِ الْكَرِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ، وَ بِأَمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتَمَتِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ وَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عَوْدَةٍ وَ بَرَكَةٍ، وَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الرَّبُّورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنْارَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ آلاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ.

أُعِيدُ وَ اسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ أَكْبَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ

الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ وَإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَ
 أَتْبَاعِهِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ،
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ
 فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا
 فِي الْأَرْضِ وَالْأَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ وَالْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَمِنْ شَرِّ
 الْفُسَاقِ وَالْفُجَّارِ وَالْكُفَّانِ وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالِدُّعَارِ وَالْأَشْرَارِ، وَ
 مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 يَعْرُجُ فِيهَا إِلَيْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ
 بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

وَاعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَ
 الْبُخْلِ، وَمِنْ ضَلَعِ الدِّينِ وَعَلْبَةِ الرَّجَالِ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ
 لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَمِنْ نَصِيحَةٍ لَا تَنْجَعُ،
 وَمِنْ صَحَابَةٍ لَا تَزِدُّعُ، وَمِنْ إِجْمَاعٍ عَلَى نُكْرٍ، وَتَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرٍ، أَوْ
 تَوَاحُذٍ عَلَى خُبْثٍ، وَمِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
 الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلُونَ وَالْأئِمَّةُ الطَّاهِرُونَ الْمُطَهَّرُونَ
 وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ وَعِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ.

وَاسْتَلِكُ اللَّهُمَّ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنَ
 الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا. وَاسْتَلِكُ اللَّهُمَّ مِنَ
 الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. وَاعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ
 مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِسْمِ اللَّهِ
عَلَى نَفْسِي وَدِينِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
أَعْطَانِي رَبِّي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى
جِيرَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِخْوَانِي وَمَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ آتَخَذَ عِنْدِي يَدًا أَوْ
أَبْتَدَأَ إِلَيَّ بِرَأً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ
يَرْزُقُنِي، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ
بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصَلِّهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَاصْرِفْ
عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَ
الرَّدَى، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيَّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَ
فَرَجِي، وَفَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ، وَأَشْهَدْنِي أَيَّامَهُمْ، وَاجْمَعْ
بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَةً حَتَّى
لَا يُخَلَّصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ، وَعَلَى مَنْ مَعَهُمْ وَعَلَى شَيْعَتِهِمْ وَ
مُحِبِّيهِمْ وَعَلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فَإِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ أَوْضَأُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَ أَلْتَجِيءُ
إِلَى اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ أَحَاوِلُ وَ أَصَاوِلُ وَ أَكَاثِرُ وَ أَفَاخِرُ وَ أَعْتَرُّ وَ أَعْتَصِمُ، عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَدَدَ الثَّرَى وَ الْحَصَى وَ

النُّجُومِ وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

خداوندا! صبح کردم در حالی که تو را گواه می‌گیرم - و تو برای گواه‌بودن کافی هستی - فرشتگان و حاملان عرش و ساکنان هفت آسمان و زمین و پیامبران و فرستادگانت و وارثان پیامبران و رسولانت و بندگان شایسته و تمامی آفریدگانت را گواه می‌گیرم، و تو گواه من باش - و تو برای گواه‌بودن کافی هستی - که من شهادت می‌دهم جز تو خدایی و جز تو معبودی نیست، تنها تویی؛ و شریکی برایت نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول توست و هر موجودی که در زیر عرش تا مرکز هفتمین زمین پرستیده شود، باطل و نابود است، به جز وجه بزرگوار و کریم تو که عزیزتر و برتر و بزرگتر و والاتر از آن است که توصیف‌کنندگان کُنه عظمت و شکوه او را دریابند و یا اندیشه‌ها به واقعیت بزرگی او راه پیدا کنند. ای کسی که مباحثات و افتخار ستایشش بر ستودن ستایشگران برتری یافته است و حمد و سپاسهای نمونه‌اش توصیف توصیف‌کنندگان را پشت سر گذاشته از آنها تجاوز نموده، بزرگداشت مقامش از گفتار سخنوران فراتر رفته و برتر گشته است. بر محمد و خاندان او درود فرست و برای ما چنان کن که تو خود شایسته‌ای، ای اهل تقوا و آمرزش.

(سه بار این جمله را تکرار کند). و بعد بگوید:

نیست خدایی جز «الله»، تنها اوست و شریکی برایش نیست، پاک و منزّه است خداوند، او را سپاس می‌گزارم، از خداوند خواهان آمرزش هستم و به پیشگاه او توبه می‌کنم، هر آنچه که خداوند بخواهد [همان می‌شود]، نیرویی و توانی جز به واسطه او نیست. او آغاز و پایان و ظاهر و باطن است. فرمانروایی از آن او و ستایش ویژه اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند، می‌میراند و زنده می‌کند، او زنده است و نمی‌میرد، خیر در دست اوست و بر همه چیز تواناست.

(این عبارات را یازده مرتبه بگوید) و بعد این تسبیح را بگوید:

پاک و منزّه است خداوند، سپاس از آن اوست و جز الله خدایی نیست، و الله بزرگتر است. از خداوند خواهان آمرزشم و به پیشگاه او توبه می‌کنم، هر آنچه را که خداوند بخواهد [همان می‌شود]، و نیرو و توانی جز به وسیله خداوند بردبار بزرگوار نیست. خداوند والای بزرگ، بخشنده و مهربان، فرمانروای منزّه، حق آشکار کننده را، به تعداد آفریدگان و سنگینی عرش و گنجایش آسمانها و زمینش و تعداد هر آنچه که قلمش بر آن جاری و کتابش آن را شمرده و کلماتش نویسنده آنند و برای خود پسندیده، تسبیح و ستایش می‌کنم.

(این عبارات را هم یازده مرتبه بگوید) و بعد این کلمات را بخواند:

خداوندا بر محمد و خاندان با برکت او درود فرست و جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و همه حاملان عرش و فرشتگان مقربت را نیز مشمول رحمت خود قرار بده! خداوندا بر همگی آنان صلوات و درود فرست تا آنجا که آنان را به مقام رضا برسانی و پس از رضایت و خشنودی، به آن اندازه که تو خود شایسته آنی، آنان را مشمول رحمت و درود خود قرار ده، ای مهربانترین مهربانان! خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر فرشته مأمور مرگ و یاران او و بر رضوان [فرشته مخصوص بهشت] و نگهبانان بهشت، و بر مالک و مأموران دوزخ درود فرست! خداوندا بر آنان درود فرست تا آنجا که آنان را به خشنودی رسانی و پس از رضایت و خشنودی بدان اندازه که تو شایسته آنی، آنان را مشمول رحمت و درود خود قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر نویسندگان بزرگوار نامه اعمال و نمایندگان گرامی نیکوکار، و نگهبانان فرزندان آدم درود فرست! و بر فرشتگان آسمان، و طبقات پایین زمین، و فرشتگان شب و روز، و فرشتگان زمین و کرانه‌های آن، دریاها و رودخانه‌ها، صحراها و دشته‌ها و درّه‌ها و درختان و بر آن گروه از فرشتگان که

به وسیله پرستش و ستایش از خوردن غذا و آب بی‌نیازشان ساخته‌ای، درود فرست! خداوندا بر آنان بدان پایه درود فرست که به مقام رضا و خشنودی‌شان برسانی و پس از خشنودی بدان اندازه که تو خود شایسته‌ای، آنان را مشمول درود خود گردان، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و بر پدرمان، حضرت آدم، و مادرمان حوا و آن عده از فرزندانمان که از گروه پیامبران، صدیقان، شهداء و درستکاران و صالحان هستند، درود بفرست! خداوندا، بر آنان بدان اندازه درود بفرست که آنان را به مقام رضا بدان‌گونه که تو شایسته‌ای، برسانی، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش و بر یاران برگزیده و زنان پاکش و بر فرزندان محمد و بر هر پیامبری که به آمدن محمد نوید داده و بر هر پیامبری که در سلسله اجداد و پدران محمد قرار گرفته و بر آنانی که در فرستادن درود بر ایشان خشنودی تو و پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله حاصل می‌شود درود فرست! خداوندا، بر آنان آن قدر درود و رحمت فرست که خشنودشان سازی و پس از خشنودی بدان اندازه که تو خود شایسته‌ای، آنان را مشمول درود و سلام خود بنمای، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و بر محمد و خاندان محمد رحمت عنایت کن، به اندازه برترین صلوات و برکات و رحمتی که بر ابراهیم فرستاده‌ای! تو خداوند ستوده و بزرگواری.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان‌گونه که به ما دستور داده‌ای بر او درود بفرستیم! خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست همان‌گونه که سزاوار است ما بر او درود فرستیم! خداوندا، بر محمد و خاندان

محمد درود فرست به مقدار کسانی که بر او درود فرستاده‌اند! خداوندا، به تعداد کسانی که بر او درود نفرستاده‌اند، بر او درود فرست! خداوندا، به تعداد حروفی بر او درود فرست که در صلواتی که بر او فرستاده‌ای، وجود دارد! خداوندا، به تعداد کسانی که بر او صلوات فرستاده و نفرستاده‌اند، بر او درود فرست!

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد به تعداد هر مویی، لفظی، لحظه‌ای، نفسی، نشانه‌ای، آرامشی و هر حرکتی از کسانی که بر او درود فرستاده و یا نفرستاده‌اند، درود فرست! و به تعداد ساعتها، دقیقه‌ها، سکون، حرکتها، حقیقتها، قرارها، ویژگیها، روزها، ماهها، سالها، موها، پوستهای آنها و به تعداد وزن ذرات کارهایی که انجام داده و یا انجام می‌دهند و یا از آنها صادر شده و یا تا روز قیامت صادر خواهد شد و تا روز رستاخیز به تعداد چندین برابر آن بر آنان درود فرست، ای مهربانترین مهربانان.

بار پروردگارا، بر محمد و خاندان محمد به تعداد آفریدگانت و به تعداد تمام آنچه که تا روز رستاخیز می‌آفرینی، درود فرست! درودی که موجب خشنودی و دلخواه او باشد! خداوندا! سپاس، شکر و امتنان، و فضل و بخشش، خوبی و نیکویی و نعمت، و بزرگی و شکوه و فرمانروایی بر ظاهر و باطن، سلطه و افتخار و برتری، پیروزی و آقایی، کرم و بزرگواری، والایی و بزرگی، خوبی و یکتایی، احترام و تهلیل و [تکبیر]، منزّه ساختن و رحمت، آمرزش و بزرگمنشی و بزرگی، همه و همه از آن توست، و هر گونه ثنا و ستایش پاک و پاکیزه و مدیحه‌ و الا، سخن نیکو و زیبا که از گوینده‌اش خشنود باشی و او را خشنود سازی و موجب پسند تو باشد، به تو اختصاص دارد. تا آنجا که ستایشم به ستایش نخستین ستایشگر، و ثنایم به ثنای نخستین ثناگوی نسبت به پروردگار جهانیان متصل شود، تهلیل من به تهلیل نخستین تهلیل‌کننده و تکبیرم به تکبیر نخستین تکبیر گوینده، گفتار زیبایم به گفتار نخستین گوینده نیک‌سخن و

شناگوی بر پروردگار جهانیان به طوری بیوند خورد که از آغاز جهان تا فرجام آن بیوستگی داشته باشد و به اندازه و سنگینی ذرات آسمانها و زمینها، سنگریزهها و تپهها و کوهها و جرعههای آب دریاها و تعداد قطرات باران و برگهای درختان و تعداد ستارگان و زمینها و ریگها و هستهها و سنگها و وزن همه اینها و وزن ذرات آسمانها و زمینها و آنچه که در اینها و بین اینها و زیر و بالای اینها و در فواصل بین اینها تا روز قیامت وجود خواهد داشت از نزدیکیهایی عرشت تا مرکز هفتمین زمین و به تعداد حروف الفاظ ساکنان آنها، تعداد پلک به هم زدن هایشان، دقایق و تفکرات، ساعات، روزها، ماهها، سالها، آرامشها، حرکتها، موها و پوستهایشان و به تعداد وزن کارهایی که کرده و یا خواهند کرد و یا می بینند و یا گمان می برند و یا می فهمند و یا از آن هستند و یا خواهند بود، و تعداد ذرات همه اینها، و چندین برابر آن، و همچون چندین برابر دیگر که جز تو کسی نداند و نتواند بشمارد، بر محمد و خاندان او درود فرست، ای صاحب بزرگی و جلالت و بزرگواری! و شایسته چنین درودی و سزاوار و لایق چنین صلواتی از من و تمامی آفریدگانت، تنها تو هستی، ای سازنده آسمانها و زمین! پروردگارا، تو خداوندگاری نیستی که تازه پیدایت کرده باشیم و به همراه تو خدایی نیست که در ربوبیت شریک تو باشد، و با تو خدایی دیگر وجود ندارد که در آفرینش ما به تو کمک کرده باشد، تو پروردگار مایی همان گونه که می گوئیم و برتر از آنچه که گویندگان می گویند، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و به محمد برترین چیزی را که از تو خواسته است و برترین چیزی را که از تو درخواست کرده اند و تا روز قیامت از تو خواسته می شود، عطا فرمایی. خاندان پیامبرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خودم و دین و ذریه و اموال و فرزندان و خویشاوندان و افراد خانواده ام را و هر یک از وابستگان و ارحامم را که به خاطر من به اسلام داخل شده و یا تا روز قیامت وارد می شود و همچنین

نگهبانان و خواص و دوستان مخصوصم را و هر کس که دعایی درباره من کرده و دستی از روی محبت و خدمت به سوی من دراز نموده و یا غیبت و تهمت را از من زدوده و سخن خیری درباره من گفته و یا کمکی مالی و جانی از او گرفته‌ام، و همسایگانم را و دیگر برادران و خواهران مؤمنم را که به خدا و نامهای تامّ و شامل و کامل و پاک و والا و بابرکت و تمیز و ارزنده و بلندمرتبه و بزرگوار و نگهداری شده‌ای که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها نگذرد و نیز به ریشه و اساس و پایان و انجام کتاب و آنچه که در بین آنها از سوره‌های شریفه، آیات محکمه، و آنچه که موجب شفا و رحمت و نعمت و برکت است و به تورات و انجیل و زبور و فرقان و به صحف ابراهیم و موسی و به هر کتابی که خداوند آن را نازل فرموده و هر رسولی که فرستاده و هر حجّتی که اقامه نموده و هر برهان و دلیلی که آشکار ساخته و هر پرتوی که روشن ساخته و به تمام نعمتها و بزرگی پروردگار ایمان دارند، در پناه خداوند قرار می‌دهم.

از آسیب هر شّوری و شرّ هر آنچه که از آن ترسیده و برحذر م و از شرّ هر آنچه که پروردگارم از آن بزرگتر است، و از آسیب تبهکاران عرب و عجم و تبهکاران جنّ و انس، شیاطین و سلاطین، ابلیس و لشکریان و پیروان و رهروانش، و از شرّ هر موجودی که در روشنی و تاریکی است و از شرّ هر آنچه که تاریک گشته و یا هجوم آورده و پافشاری می‌نماید و از شرّ اندوه و غم و آفت و پشیمانی، بلا و بیماری و از شرّ پدیده‌های شبانه و روزانه و ره‌آوردهای مقدرات، و از شرّ آنچه که در آتش و زمین و کرانه‌ها و دژه‌ها و صحراها و دریاها و رودخانه‌هاست، و از شرّ تبهکاران و جنایتکاران، کاهنان و جادوگران و حسودان و بدکاران و وحشت‌انگیزان و از شرّ آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن خارج می‌شود و یا از آسمان فرود می‌آید و یا به آن بالا می‌رود، و از شرّ هر شّوری و از شرّ هر جنبنده‌ای که اختیارش در دست پروردگار من می‌باشد، به

خدا پناه می‌جویم. همانا پروردگار من بر راه راست است که اگر پشت کرده و اعراض نمودند پس بگو خداوند مرا کفایت خواهد کرد جز او خدایی نیست بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

بار پروردگارا! به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل و از سستی در دین و چیرگی زورمندان و از عملی که سود نبخشد و چشمی که اشک نریزد و دلی که خاشع نباشد و دعایی که شنیده نشود و نصیحتی که مفید واقع نگردد و همدمی که از کار زشت باز ندارد و از تصمیم کامل و اندیشه جامع بر کار زشت و دوست داشتن کار زیانبار و یا مؤاخذه ناشی از خبث و پلیدی باطن و از هر آنچه که محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان و امامان پاک و پاک‌شده و شهیدان و افراد شایسته و بندگان پرهیزکارت از آن به تو پناه برده‌اند.

و از تو درخواست می‌کنم ای خداوند! که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از خیر و خیرات هر آنچه که خواسته‌اند، به من ببخشایی و از شر هر چه که به تو پناهنده شده‌اند، مرا در پناه خود قرار دهی، و از تو تمامی خیر را درخواست می‌کنم ای خداوند! خیر زودرس و خیرهای آینده را، آنچه را که می‌دانم و آنچه را که نمی‌دانم نصیبم فرما! و پناه می‌برم خداوندا به تو از وسوسه‌های شیاطین و از اینکه نزد من حاضر شوند.

بسم الله بر خاندان پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بسم الله بر خودم و بر دینم، بسم الله بر خانواده و مالم، بسم الله بر هر آنچه که پروردگارم به من بخشیده، بسم الله بر دوستان و فرزندان و خویشاوندانم، بسم الله بر همسایگان مؤمن و برادران دینی من و هر آن کس که دعایی به من کرده و یا نعمتی به من بخشیده و یا ابتدا به نیکی به من کرده از مؤمنین و مؤمنات، بسم الله بر هر چه که پروردگارم روزی‌ام فرموده و روزی‌ام می‌کند، به نام خداوندی که با نام او هیچ

چیز در آسمان و زمین زیان نمی‌رساند و او شنوا و داناست.

خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا با تمام خیراتی که بندگان با ایمانت از تو درخواست کرده‌اند تا به آنان متصل نمایی، پیوند ده و هر بدی و پستی را که از تو خواسته‌اند برطرف کنی، از من برطرف کن و بدان‌گونه که تو خود شایسته و سزاوار آئی، از فضل و انعام خود بر من بیفزای، ای مهربانترین مهربانان!

پروردگارا بر محمّد و خاندان پاکش درود فرست و فَرَجِ آنان و فَرَجِ مرا به زودی برسان و غم و اندوه را از هر مرد و زن مؤمنی برطرف ساز. خداوندا، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، یاری و کمک آنان را روزی من فرما، مرا شاهد روزگار [پیروزی و کامیابی] آنان قرار ده، در دنیا و آخرت، من و آنها را با هم جمع و همراه گردان، و از سوی خود بر آنان حامی و نگهداری قرار ده که جز خیر و خوبی به آنان راه پیدا نکند و همچنین این همه را بر کسانی که با آنانند و بر شیعیان و دوستان و دوستداران آنان و بر همگی مؤمنان نصیب فرما! همانا تو بر همه چیز توانایی.

به نام خدا و به وسیله خدا و از خدا و به سوی خداوند، که غالب و پیروزی جز خداوند نیست، آنچه که خداوند خواسته، همان شدنی است و جز به واسطه خداوند نیرویی نیست، خداوند مرا کفایت می‌کند، بر خدا توکل کرده کارم را به او واگذار می‌کنم، به خداوند پناه می‌برم، خود را به او می‌سپارم، به وسیله او روی می‌آورم، می‌افزایم، مباحثات می‌کنم، عزیز و گرامی می‌شوم و چنگ می‌زنم، بر او توکل می‌کنم و بازگشت به سوی اوست، جز خداوند زنده و پاینده خدایی نیست، و به تعداد ذرات خاکها، و تعداد ریگها، ستارگان و فرشتگان صف کشیده این کلمه را می‌گوییم، جز او خدایی نیست تنها و یکتاست، شریکی برای او نیست، او برتر و بزرگتر است، جز تو خدایی نیست، تو پاک و منزّه می‌باشی و من از ستمگران هستم.

از ناحیه مقدّس حضرت ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفدا برای
محمّدبن صلت قمی بعد از این دعا این جملات افزوده و فرستاده شد:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ
الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ،
وَ مُنْزِلَ الرَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ، أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ
مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَ جَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لِجَبَّارٍ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ
خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ خَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لِخَالِقٍ فِيهِمَا
غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ حَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ،
لِحَاكِمٍ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ
مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ
بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ عَلَيْهِ
الْأَوْلَادُونَ وَ الْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ
حَيٍّ، وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، وَ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، وَ يَا حَيُّ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ
لَأَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَ
هَمٍّ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُو وَ أَمْلُهُ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خداوندا، ای آفریننده نور بزرگ، و پروردگار کرسی برافراشته، و پروردگار دریای خروشان، و نازل‌کننده تورات و انجیل و پروردگار سایه و آفتاب، و نازل‌کننده زبور و قرآن و فرقان بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده! تو خداوند کسانی هستی که در آسمانند و خدای ساکنان زمینی، در آن دو غیر از تو خدایی نیست. تو قاهر و حاکم بر ساکنان زمین و آسمانی، در آن دو قاهر و حاکمی جز تو نیست، تو آفریدگار تمام موجودات زمین و آسمانی و جز تو آفریدگاری در آن دو نیست. تو داور و فرمانروای آفریدگان آسمانها و زمینی، و داور و فرمانروایی جز تو در آنها نیست.

خداوندا! به وجه بزرگوار و به پرتو روی نورانی و فرمانروایی جاودانهات از تو درخواست می‌کنم، ای زنده و ای برپای‌دارنده! از تو می‌خواهم به همان نامی که آسمانها و زمینها را بدان روشن ساخته بر آنها تابیده‌ای، ای زنده قبل از هر موجود زنده، و ای زنده پس از هر موجود زنده، و ای کسی که در زمانی که هیچ موجود زنده‌ای نبود، تو حیات داشتی، ای زنده‌کننده مردگان و ای زنده‌ای که جز تو خدایی نیست، ای حی و ای قیوم! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و از آنجا که گمان دارم و برای آن حساب باز کرده‌ام و یا برای آن حسابی باز نکرده‌ام و گمان نمی‌کنم و انتظار ندارم به من روزی عنایت فرمایی، روزی‌ای گسترده و حلال و پاکیزه، و هر غم و اندوه را از من برطرف سازی و هر آنچه را به آن امیدوار و آرزومندم، به من ببخشی، که تو بر همه چیز توانایی.

تعقيب نماز ظهر

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ. سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ.
 سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا
 بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَالطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَاهِدًا لَشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ، وَلَا مُتَحَيِّرًا فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ.
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَوَعْدَهُمْ، وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَ
 ثَوَابَهُمْ، وَتَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ، وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْأَمْنَ
 عِنْدَ الْحِسَابِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَايِبٍ أَنْتَظِرُهُ، وَخَيْرَ مُطَّلِعٍ يَطَّلِعُ
 عَلَيَّ، وَارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ نُزُولِهِ وَفِي عَمْرَاتِهِ وَحِينَ
 تَنْزُلِ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِي وَحِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ وَفِي حَالِ خُرُوجِي
 مِنَ الدُّنْيَا وَتِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا صَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا شِدَّةً
 وَلَا رَحَاءً، رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَحَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبُشْرَى مِنْ
 كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي، وَتَقْبِضَ رُوحِي، وَتُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ
 عَلَيَّ إِخْرَاجَ نَفْسِي بِبُشْرَى مِنْكَ. - يَا رَبِّ - لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تَتَلُجُّ
 بِهَا صَدْرِي، وَتَسْرُبُ بِهَا نَفْسِي، وَتَقْرُبُ بِهَا عَيْنِي، وَتَيْهَلُّ بِهَا وَجْهِي، وَ
 يَسْفُرُّ بِهَا لَوْنِي، وَيَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِي، وَتَبَاشِرُ بِهَا سَائِرَ جَسَدِي يَعْطِبُنِي
 بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ وَ مَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ، تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهَا
 سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَتُفْرِجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ، وَتُخَفِّفُ عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ، وَ
 تَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ وَتُذْهِبُ عَنِّي بِهَا هَمَّهُ وَحَسْرَتَهُ، وَتَعْصِمُنِي بِهَا

مِنْ أَسْفِهِ وَفَتْنَتِهِ، وَ تُجِيرُنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا يَحْضُرُ أَهْلَهُ، وَ تَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَ خَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ. ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيْتَ نَفْسِي وَ قَبَضْتَ رُوحِي فَاجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَ اجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِي الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ، ثُمَّ أَرْزُقْنِي فِي خَطِيئِي مِنَ الْأَرْضِ حِصَّتِي وَ مَوْضِعَ جَنَبِي حَيْثُ يُرْفَتُ لِحْمِي وَ يُدْفَنُ عَظْمِي وَ أُتْرَكَ وَحِيداً لَا حِيلَةَ لِي قَدْ لَفَظْتَنِي الْبِلَادُ وَ تَخَلَّى مِنِّي الْعِبَادُ وَ أَتَفَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ أَحْتَجُّكَ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي، وَ أَلْقَى مَا مَهَّدْتَ لِنَفْسِي وَ قَدَّمْتَ لِآخِرَتِي وَ عَمَلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ ضِيَاءً مِنْ نُورِكَ وَ تَثْبِيثاً مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، إِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِينَ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبُعْثِ وَ الْحِسَابِ إِذَا أَنْشَقْتَ الْأَرْضَ عَنِّي وَ تَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّي وَ غَشِيَتْنِي الصَّيْحَةُ وَ أَفْرَعْتَنِي النَّفْخَةُ وَ نَشَرْتَنِي بَعْدَ الْمَوْتِ وَ بَعَثْتَنِي لِلْحِسَابِ، فَابْعَثْ مَعِيَ يَا رَبُّ نُوراً مِنْ رَحْمَتِكَ يَسْعَى بَيْنَ يَدَيَّ وَ عَن يَمِينِي، تُؤْمِنِي بِهِ وَ تَرْبِطُ بِهِ عَلَيَّ قَلْبِي وَ تَظْهَرُ بِهِ عُذْرِي وَ تُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي وَ تُصَدِّقُ بِهَا حَدِيثِي وَ تُفْلِحُ بِهِ حُجَّتِي وَ تُبَلِّغُنِي بِهِ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى مِنْ رَحْمَتِكَ وَ تُحِلِّنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ وَ تَرْزُقُنِي بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً وَ أَبْلَغُنَا فَضِيلَةَ وَ أَيْرَاهَا عَطِيَّةً وَ أَوْفِقُنَا نَفْسَةً مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلَانِكَ رَفِيقاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ

الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى
أَنْمَةِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا
بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ بِيضُ وَجْهِهِ وَاعْلَى كَعْبِهِ وَأَفْلَحُ حُجَّتِهِ وَأَتَمُّ نُورِهِ وَثَقُلُ
مِيزَانِهِ وَعَظْمُ بُرْهَانِهِ وَأَفْسَحُ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَبَلَّغُهُ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ
مِنَ الْجَنَّةِ وَأَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ
وَالْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَسَيْلَةً وَأَقْضِصْ بِنَا أَثْرَهُ وَأَسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَ
أُورِدْنَا حَوْضَهُ وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَأَسْلُكْ بِنَا سُبُلَهُ وَ
أَسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ وَلَا شَاكِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ، يَا مَنْ بَابُهُ
مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ وَ مُدَاوِي
الْقَلْبِ الْجَرِيحِ لِاتْفُضُّحِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْآثَامِ وَلَا تُعْرِضْ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ، يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ وَ يَا جَابِرَ
الْعَظْمِ الْكَسِيرِ هَبْ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَايِرِ، وَ أَعْفُ عَنِّي فَاضْحَاتِ السَّرَايِرِ
وَ أَعْسِلْ قَلْبِي مِنْ وَزْرِ الْخَطَايَا وَ آرْزُقْنِي حُسْنَ الْأَسْتِعْدَادِ لِلسُّزُولِ
الْمَنَايَا، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ مُنْتَهَى أُمْنِيَّةِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، فَتَحَتْ
لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنَابَةِ فَلَاتُغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَةِ وَ نَجِّنِي
بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ بَوِّئِي عُرْفَاتِ الْجِنَانِ وَ اجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكًا بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى وَ أَخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ أَحْيِنِي بِالسَّلَامَةِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَمَالِ وَ

الْعِزَّةَ وَالْجَلَالَ، لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَانًا
عَنِيدًا وَلَا شَيْطَانًا مَرِيدًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.^۱

پاک و منزّه است خدای با عزّت و سربلند و سرافراز. منزّه است خداوندی که
جلالتی بس بزرگ دارد. منزّه است خداوندی که فرمانروائیش آمیخته به افتخار
است و از آغاز بوده است. ستایش خاصّ خداوندی است که به لطف نعمتهایش
دست یافتیم به آنچه که از شناخت به او، و عمل برای او، و رغبت و توجه به
سوی او، و اطاعت اوامر او رسیدم. او را سپاس می‌گویم که مرا منکر آیات
کتابش، و نیز سرگردان در کارهایش قرار نداد. او را سپاس می‌گویم که مرا به
دین خود هدایت کرد، و آن‌گونه قرارم داد که چیزی جز او را نپرستم.

خداوندا! از تو می‌خواهم که گفتار توبه‌کنندگان و عمل آنان را، و نجات
تلاشگران و ثواب آنان را، و تصدیق مؤمنان و توکل آنان را، و نیز آسودگی در
هنگام مرگ، و در امان بودن به گاه حسابرسی در رستاخیز را به من عنایت
فرمایی. و مرگ را بهترین ناشناخته‌ای که در انتظار اویم، و بهترین چیزی که با
او برخورد می‌کنم، قرار دهی. و هنگام فرا رسیدن مرگ، و آنگاه که مرا در خود
فرو می‌برد، و زمانی که جانم در میان استخوانهای سینه‌ام قرار دارد، و آن هنگام
که به زیر گلویم می‌رسد، و در آن حال که از دنیا رخت بر می‌بندم، و در ساعتی
که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ سود و زیان، و سختی و آسایشی را
نمی‌توانم برای خود فراهم سازم، نسیمی از رحمت خود، و بهره‌ای از خشنودی
خود را به من عطا فرمایی. و پیش از آنکه جانم بستانی، و روحم را قبض نمایی،
و فرشته مرگ را بر خارج ساختن جانم چیره نمایی، بشارتی از کرامت خود را به
من ارزانی داری. - ای پروردگار من! - بشارتی که از غیر تو نباشد تا سینه‌ام را از

التهاب باز دارد، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره‌ام را مسرور نماید، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند، و جانم را آرامش بخشد. بشارتی که سبب آسودگی تمامی اعضا و جوارحم گردد، تا هر مخلوقی از مخلوقات که مرا می‌بیند، و هر بنده‌ای از بندگانت که وصفم می‌شنود، بر آن غبطه خورد. بشارتی که سختیهای مرگ را بر من آسان گرداند، و رنجش را از من دور دارد، و شدت آن را برطرف نماید، و بیماری از آن بزدايد، و مرا از هم و غمّش برکنار دارد، و از بلاهایش دور گرداند، و از شرّش و شرّ کسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد، و از خیر آن و خیر کسانی که در آن لحظه حاضر هستند، و خیر آنچه بعد از آن واقع می‌گردد، بهره‌مند نماید.

و آنگاه که جانم گرفته شد، و روحم از کالبدم خارج گردید، روحم را در میان ارواح پاک، و جانم را در بین جانهای صالح، و جسدم را در میان جسدهای پاکیزه، و عملم را در بین اعمال مقبول قرار ده. و از جایگاه قبرم، و محلّ استتار بدنم، آنجا که گوشته‌ایم کوییده شده، و استخوانهایم دفن می‌گردد، و تنها و بی‌کس رها شده، و هیچ قدرتی بر خود ندارم، شهرها مرا از خود دور ساخته، و بندگان مرا رها کرده‌اند، و نیازمند رحمت تو و محتاج اعمال صالح خود هستم، و آنچه را برای خود آماده ساخته، و برای سفر آخرت خود پیش فرستاده و در زندگی دنیا انجام داده‌ام می‌یابم، بهره‌ای از رحمت، و درخششی از نورت را به من ارزانی دار، و مرا از کرامت خود، با سخن درست در زندگانی دنیا و آخرت، ثابت قدم گردان. به درستی که تو ستمکاران را گمراه کرده و بر هر کاری توانایی. پس آنگاه که در قیامت، برای حسابرسی قبرم شکافته شود، و بندگان از من دور گردند، و صیحه‌آسمانی مرا فرا گیرد، و نفخه‌ صور مرا به وحشت افکند، و بعد از مرگ که مرا برمی‌انگیزی و برای حساب اعمال آماده‌ام می‌گردانی، بر من مبارک گردان. بارالها! همراه من نوری از بخششت را برانگیز، تا پیشاپیش و از

طرف راست من حرکت کند، تا مرا در امنیّت قرار داده، و قلبم را محکم نموده، و عذرم را ظاهر کرده، و چهره‌ام را درخشان، و گفتارم را تصدیق، و دلیلیم را قاطع گرداند، و مرا به آخرین درجهٔ رحمت برساند، و به برترین مرتبهٔ بهشت نائل گرداند، و همنشینی محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و رسولت را در بالاترین درجهٔ بهشت و با فضیلت‌ترین آن، و نیکوترین مرتبهٔ آن، و ارزشمندترین قسمت آن عطا فرماید. سکونت همراه با کسانی که به آنان نعمت را ارزانی داشته‌ای، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحین، که اینان بهترین دوستان هستند.

خداوندا! بر محمد، خاتم پیامبران، و بر تمامی انبیا و رسولان، و بر تمامی فرشتگان، و بر خاندان پاک و مطهر پیامبر، و بر تمامی پیشوایان هدایت درود فرست، ای پروردگار جهانیان! خواسته‌ام را اجابت نما.

بارخدا! بر محمد درود فرست، همان‌گونه که ما را به وسیلهٔ او هدایت کردی. بر او درود فرست، آن‌گونه که به وسیلهٔ او به ما رحمت را ارزانی داشتی. بر او درود فرست، همانطور که ما را به وسیلهٔ او گرامی داشتی. بر او درود فرست، آن‌گونه که ما را به وسیلهٔ او برتری دادی. بر او درود فرست، همانطور که ما را به وسیلهٔ او شرافت عطا نمودی. بر او درود فرست، آن‌چنان که ما را به وسیلهٔ او یاری نمودی. بر او درود فرست، همانگونه که ما را به وسیلهٔ او از پرتگاه آتش نجات دادی.

خداوندا! چهره‌اش را درخشان، مقامش را بلند، دلیلش را قاطع، پرتوش را کامل، کفهٔ ترازوی اعمالش را سنگین، برهانش را برتر گردان، و نعمت را بر او بگستر، تا خشنود گردد. و او را به برترین مقام بهشت برسان، و او را به مقام محمودی که او را وعده داده‌ای نائل گردان، و او را در مقام و منزلت برترین پیامبران و رسولان قرار ده. و ما را رهرو راه او نما، و از جام او سیراب گردان، و بر حوض او وارد ساز، و در گروه او محشور نما، و بر دین او بمیران، و ما را در راه

او قرار ده، و عامل به فرامین او بگردان، بدون آنکه تحقیر شده و پشیمان شویم، و مشکوک گردیده و راهش را تغییر دهیم. ای آنکه درگاهش برای خوانندگانش گشوده، و حجابش برای امیدواران برکنار است، ای پوشاننده کار زشت و مداوا کننده قلبهای مجروح، در روز قیامت به گناهان هلاکت‌آور مرا تحقیر نکن، و از من مگردان. ای امید بیچارگان فقیر، و ای التیام دهنده استخوان شکسته! گناهان بزرگ را بر من ببخشای، و از کارهای زشتم درگذر، و جانم را از عواقب خطاها پاک گردان، و آمادگی نیکو برای مرگ را به من ارزانی دار. ای بخشنده‌ترین بخشندگان، و ای منتهای آرزوی خواهندگان! تو مولای من هستی، درگاه دعا و نیایش را بر من گشودی، پس راه قبول و اجابت را بر من نبند، و به رحمت مرا از آتش نجات ده، و در غرفه‌های بهشت ساکن گردان. و مرا چنگ‌زننده به دستاویز محکم خود قرار ده و کارم را به سعادت پایان ده و مرا در زندگی سلامتی عطا کن، ای کسی که صاحب فضیلت و کمال و عزت و جلالتی! مرا دشمن شاد مگردان و حاسدان را از من ناامید نما، و پادشاه کینه‌توز و شیطان رانده شده‌ای را بر من مسلط مفرما، به لطف و رحمت، ای بهترین رحم‌کنندگان! توان و نیرویی جز از جانب خداوند برتر و والاتر نمی‌باشد. درود خدا بر محمد و خاندان او باد.

تعقیب نماز عصر

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ،
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِإِنْعَمِهِ وَلَا جَاهِدًا لِفَضْلِهِ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَهُوَ
أَهْلُهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِنْ أَطَاعَهُ وَ
مِمَّنْ عَصَاهُ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنْهُ، وَإِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمْتُ أُيْدِيهِمْ وَمَا اللَّهُ

يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَبِيدِ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانُ، الرَّفِيعِ الْبُنْيَانُ، الشَّدِيدِ الْأَمْكَانُ، الْعَزِيزِ
السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ الشَّانُ، الْوَاضِحِ الْبُرْهَانُ، الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ الْمُنْعِمِ
الْمُنَانِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْتَجِبَ عَن كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ
قُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقْسَهُ مِقْدَارُ
وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ أَعْتِبَارُ لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَطَّلِعُ عَلَيَّ أَمْرِي، وَ تَعْلَمُ
مَا فِي نَفْسِي، وَ لَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي
طَلِبَتِي، وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي، وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسْأَلَتِي وَ
سَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةٍ وَ ذَلَّةٍ وَ ضَيْقَةٍ وَ بُؤْسٍ وَ مَسْكَنَةٍ وَ أَنْتَ الرَّبُّ
الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَ لِأَجِدَ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ وَ
أَنْتَ غَنِيٌّ عَن عَذَابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَاسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ
غِنَاكَ عَنِّي وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ قَلَّةِ امْتِنَاعِي مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا
دُعَاءً وَافِقَ مِنْكَ إِجَابَةً، وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَافِقَ مِنْكَ رَحْمَةً وَ
طَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَافِقَتْ نَجَاحًا، وَ مَا خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسَّرَهُ، وَ
مَا خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسَّعَهُ، وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ
كُلُّهُمْ فَأَعْلَبُهُ، آمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ هُوْنَ عَلَيَّ مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ، وَ
أَكْشِفْ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ وَ يَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ، آمِينَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّيَاءَ وَ الْكِبَرَ وَ الْبَغْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ
وَ الشُّكَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضَّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَكْرَ وَ الْخَدِيعَةَ وَ

الْبَلِيَّةَ وَالْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَبَصْرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَخُذْ بِنَاصِيَّتِي
إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُزْ ذَنْبِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَ
آمِنْ رَوْعَتِي وَاجْبُرْ مُصِيبَتِي وَاغْنِ فَقْرِي وَيسِّرْ حَاجَتِي وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي
وَاجْمَعْ شَمْلِي وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا غَابَ عَنِّي وَمَا حَضَرَنِي وَمَا
اتَّخَوْفُهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَاسَلَّمْتُ نَفْسِي
إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقًا مِنْكَ وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي
لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَلَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ
مُوسَى كَلِيمِكَ وَعِيسَى رُوحِكَ وَمُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ إِلَّا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَتَغْفِرَ لِي
خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي.
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَلَا مَبْلَغَ
عِلْمِي. اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَاصْلِحْ لِي دُنْيَايَ
الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ
زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ، فَاعْفُ عَنِّي. اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ
الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، وَاسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ
فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَالْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَاسْأَلُكَ الْقَصْدَ
فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَاسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَبِيدُ وَفُرَّةً عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَاسْأَلُكَ

الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَا، وَ أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَهْدِيكَ لِإِرْشَادِ أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي. اللَّهُمَّ
عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ، وَ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ، وَ خُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا
إِلَى رَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ أُشْهِدُ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ
الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، يَا كَائِنُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ
شَيْءٌ وَ الْمَكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ.

اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصْرِي، وَ إِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِّي،
فَلَا تُحْرِمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ، فَلَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ. اللَّهُمَّ فَاعْفِرْ لِي
فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ الزَّاكِيَةَ صَلِّ عَلَى
أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْنِكَ وَ أَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ وَ أَوْجِبِهِمْ لَدَيْكَ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَ
رَسُولَكَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَ أَكْرَمَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ
أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبْلَغِ عَنَّاكَ وَ مُؤْتَمِنٍ عَلَيَّ وَ حَيْكَ. اللَّهُمَّ كَمَا
سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعَلْ مَنَاهَجَ سُبُلِهِ لَنَا سَنَاءً
وَ حُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبِيًّا نَأْتَمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِلءَ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مِلءَ طِبَاقِهِنَّ وَ مِلءَ
الْأَرْضِ السَّبْعِ وَ مِلءَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلءَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ وَ مِيزَانِ رَبَّنَا

الْغُفَّارِ وَ مِدَادِ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ وَ مِلْءِ الْجَنَّةِ وَ مِلْءِ النَّارِ وَ عَدَدِ الثَّرَى
وَ الْمَاءِ وَ عَدَدِ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

اللَّهُمَّ وَ أَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنَّكَ وَ مَغْفِرَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ
رِضْوَانَكَ وَ فَضْلَكَ وَ سَلَامَتَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ نُورَكَ وَ شَرَفَكَ وَ نِعْمَتَكَ وَ
خَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعُظْمَى وَ كَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى حَتَّى
تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ. سَلَامٌ عَلَى جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ
إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ الْكُرُوبِينَ وَ
سَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى آيِنَا آدَمَ وَ عَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ وَ
سَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّينَ أَجْمَعِينَ، وَ الصُّدِّيقِينَ وَ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ لِأَحْوَالِ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.^۱

پاک و منزّه است پروردگاری که به اندیشه‌های بد دلها آگاهی دارد. پاک و
منزّه است کسی که شماره گناهان را می‌داند. پاک و منزّه است آن که هیچ امری
در آسمان و زمین بر او پوشیده نیست. سپاس خداوندی را سزااست که مرا
آن‌گونه قرار نداد که نعمتهایش را بپوشانم، و فضل او را انکار نمایم، پس خیر و
برکت در اوست و او اهل آنست. سپاس خداوندی را سزااست که دلیل و برهانش

بر تمامی انسانها، خواه فرمانبران و خواه گنهکاران، تمام است. اگر کسی را در سایه رحمت خود قرار دهد از جود و بخشش اوست، و اگر مجازات نماید به سبب اعمالی است که مرتکب گردیده‌اند، که خداوند به بندگان ستم روا نمی‌دارد. سپاس شایسته خداوندی است که مکانش بلند، بنیانش برتر، ارکانش محکم، سلطنتش پایدار، مقامش رفیع و برهانش روشن است و بخشنده و مهربان و روزی‌رسان و مئان است. ستایش از آن خداوندی است که از هر مخلوقی که او را به حقیقت ربوبی و قدرت خداوندی شناخت، مستور مانده است. دیدگان او را نمی‌یابند، و اخبار او را در بر نمی‌گیرد، و مقدار او را تعیین نمی‌نماید، و اعتبار او را به توهم در نمی‌آورد؛ چرا که او پادشاهی با جلال و جبروت است.

بارخدا! مکان و جایگاهم را می‌بینی، و کلامم را می‌شنوی، و بر کارهایم اشراف داری، و بر آنچه در جانم می‌گذرد آگاهی، و هیچ یک از کارهایم از تو پوشیده نمی‌باشد. - بدان که - از سر نیاز روی به تو نهاده‌ام. خواسته‌هایم را از تو می‌خواهم، و برای آنها به درگاهت زاری می‌کنم، و با فقر و نیاز و خواری و شدت و درماندگی از تو یاری می‌جویم. تو پروردگاری هستی که گناهان را می‌بخشی، جز من کسانی را می‌یابی که عذاب کنی؛ لیک من جز تو آمرزنده‌ای را نمی‌یابم، و تو از عذاب من بی‌نیازی، و من نیازمند رحمت و احسان توام. پس به سبب نیازی که من به تو دارم، و بی‌نیازی تو از من، و قدرت و چیرگی تو بر من، از تو می‌خواهم که دعایم را در جمله دعاهایی قرار دهی که به هدف اجابت مقرون باشد، و جایگاهم را مکان نزول رحمتت قرار دهی، و این درخواست و حاجتم را قرین موفقیت بنمایی. کارهایی را که از سختی آنها در هراسم آسان گردان و برای کارهایی که از انجام آنها ناتوانم به من نیرو ارزانی دار، و هر یک از بندگان را که نسبت به من قصد سوئی دارد مغلوب خود ساز، ای بهترین

رحم‌کنندگان! خواهشم برآور. هرچه را که از شدت آن در هراسم آسان گردان، و رنج آنچه مرا در هراس انداخته برطرف ساز، هرچه را که از سختی آن هراسانم آسان فرما، ای پروردگار جهانیان! اجابت فرما.

خداوندا! خودبینی، ریا، خود بزرگ‌بینی، پا از حریم فراتر نهادن، رشک، ناتوانی، دودلی، سستی، زیان، بیماریهای گوناگون را از من دور دار. و نیز خذلان و فریب و نیرنگ و فساد راه، از گوش و چشم و تمامی اندامم دور نما، و مرا به سوی آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود می‌سازد راهنمایی کن، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان!

خداوندا! بر محمد و خاندان پاکش درود فرست، و گناهم را ببخش، و کمبودم را پوشیده دار، و ترسم را ایمنی بخش، و گناهانم را اندک فرما، و فقرم را به بی‌نیازی مبدل ساز. حاجتم را آسان گردان و از لغزشم درگذر، و آنچه را که در پی آن هستم، و نیز هرچه برایم پنهان و آشکار است، و مواردی را که از تو در هراسم کفایت فرما، ای بهترین رحم‌کنندگان!

بارالها! کارهایم را به تو وامی‌گذارم، و خود را در پناه تو قرار می‌دهم، و به سبب گناهایی که انجام داده و بیم و امیدی که به تو دارم، خود را به تو می‌سپارم. تو بزرگواری هستی که امید را نبریده و خواستار را ناامید نمی‌گردانی. به حق دوست ابراهیم، و هم‌صحبت موسی، و روح عیسی، و برگزیده و پیامبرت محمد، از تو می‌خواهم که از من روی‌گردان نشده، و بزرگواریت را از من دریغ نداری، تا آنکه توبه‌ام را قبول فرمایی و از اشتباهم درگذری، ای بهترین رحم‌کنندگان و عادل‌ترین حکم‌کنندگان!

بار خدا! از کسی که بر من ستم روا می‌دارد انتقام گیر، و مرا بر هرکه با من دشمن است نصرت عطا فرما. خداوندا! مصیبت و گرفتاریم را در دینم مقرر مگردان، و دنیا را مهمترین مقصود و نهایت شناختم قرار نده. خداوندا! دینم را

که مهمترین کارم، و دنیایم را که راه بدست آوردن معاشم، و آخرتم را که سرانجامم به سوی آنست، اصلاح گردان و زندگی‌ام را راهی به سوی بدست آوردن هر خیر و برکت، و مرگم را راه رهایی از هر شرّ و بدی قرار ده.

بارخدایا! تو آمرزنده‌ای و بخشایش را دوست داری، پس از من درگذر. بارالها! مرا زنده‌دار آنگاه که می‌دانی زندگانی برایم خیر و برکت دربر دارد، و مرا بمیران آن هنگام که می‌دانی مرگ برایم نیکو است. از تو می‌خواهم که در آشکار و نهان، ترس و بیم از خودت را به من ارزانی داری، و در خشم و رضامندی، عدل و داد به من عطا فرمایی. خداوندا! از تو می‌خواهم در فقر و بی‌نیازی میانه‌روی به من عطا کنی، و از تو نعمتی بی‌نهایت و خرسند کننده که قطع نگردد، و نیز خشنودی بعد از قضا و قدر را بخواهیم، و از تو لذت دیدارت را جویا هستم.

پروردگارا! برای ارشاد در کارهایم از تو هدایت می‌جویم، و از خواهش نفس به تو پناه می‌برم. خداوندا! کار زشت انجام داده و به خود ستم روا داشته‌ام، پس از من درگذر که جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد. بارالها! از تو تعجیل در سلامتی، و بردباری در سختیها و شدائد، و خروج از دنیا به سوی رحمتت را خواستارم.

پروردگارا! تو و فرشتگانت و حاملان عرشت، و آنچه در آسمانها و زمین است را شاهد می‌گیرم، که تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست، و برای تو شریکی وجود ندارد، و محمد بنده و فرستاده‌ت هستی. از تو برآورده شدن حاجاتم را بخواهیم؛ چرا که ستایش مخصوص تو بوده و معبودی جز تو نیست، و آفریننده آسمانها و زمین هستی، ای کسی که قبل از وجود هر موجودی وجود داشته، و هر چیز را ایجاد کرده، و بعد از آنکه هیچ موجودی وجود ندارد، باز وجود داری.

خداوندا! چشمانم را به سوی رحمتت دوخته، و دستهایم را به سوی بخشش گشوده‌ام، آنگاه که از تو درخواست می‌کنم مرا محروم مکن، و آن هنگام که از تو طلب بخشایش دارم مرا عذاب منما. بارخدا! مرا ببخشای، چرا که تو به کارهایم دانایی، و مرا عذاب مکن؛ چرا که تو بر من قادر و توانایی، به رحمتت ای بهترین رحم‌کنندگان!

پروردگارا! ای دارای رحمت گسترده، و دروذهای نافع و بالا برنده، بر گرامی‌ترین بندهات و محبوب‌ترین آنان نزد تو، و ارزشمندترین ایشان در مقابل تو، محمد، بنده و فرستاده‌ات، که او را به وسایل و اسباب ارزشمند مخصوص گردانده‌ای، درود فرست شریفترین و کاملترین و برترین و فزونتین و گرامی‌ترین درودی که بر مبلغین فرامینت، و امینان بر وحیت فرستاده‌ای.

خداوندا! همچنان که کوری و جهالت را با او برطرف ساخته، و درهای هدایت را به وسیله او گشودی، ما را در راههای هدایت او قرار ده، و براهین روشن او را برای ما اسبابی قرار ده که برای رسیدن به تو از آن پیروی کنیم.

پروردگارا! ستایش برای توست، به گنجایش آسمانهای هفتگانه و طبقات آن، و به گنجایش زمینهای هفتگانه و آنچه در بین آنهاست، و به گنجایش عرش پروردگار بزرگ ما، و به تعداد مخلوقات پروردگار ما، و به گنجایش بهشت و دوزخ، و مقدار آب و خاک، و به میزان آنچه دیده شده و آنچه دیده نمی‌شود. خداوندا! درودها و برکات، و منت و بخشش و رحمت، و خشنودی و فضل و سلامت، و ذکر و نور و شرف و نعمت را، بر محمد و خاندانش مقرر فرما، همچنان که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او ارزانی داشتی، به درستی که تو ستوده و بزرگواری می‌باشی.

بارالها! وسیله برتر و بهترین پاداشت را در قیامت، به محمد ارزانی دار تا آن که او را در آن روز شرافت عطا فرمایی، ای خداوند هدایت کننده. پروردگارا! بر

محمد و خاندان او، و بر تمامی فرشتگان و پیامبران و رسولان درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرش و فرشتگان مقرب، و فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال مردم، و سلام بر تمامی فرشتگان. سلام بر پدر ما آدم، و مادر ما حوا، و سلام بر تمامی پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان، و سلام بر تمامی رسولان، و سپاس مخصوص خداوند جهانیان است. و هیچ حول و قوه‌ای جز از جانب خدای برتر و والاتر نمی‌باشد، و خداوند مرا کفایت می‌کند، و او بهترین نگهبان است، و درود خدا بر محمد و خاندانش باد.

تعقیب نماز مغرب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُبْلَغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى نِعْمَاتُهُ الْعَادُونَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِي وَ الْمُمِيتُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّوْلِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعَالَمُونَ عِلْمَهُ، وَ لَا يَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ، وَ لَا يُبْلَغُ الْمَادِحُونَ مَدْحَتَهُ، وَ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ، وَ لَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نِعْتَهُ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، وَ الْعِظَمَةِ وَ الْجَبْرُوتِ، وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْجَلَالِ، وَ الْبَهَاءِ وَ الْمَهَابَةِ، وَ الْجَمَالِ وَ الْعِزَّةِ، وَ الْقُدْرَةِ وَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ وَ الْمِنَّةِ، وَ الْغَلْبَةِ وَ الْفَضْلِ، وَ الطَّوْلِ وَ الْعَدْلِ، وَ الْحَقِّ وَ الْخَلْقِ، وَ الْعَلَا وَ الرَّفْعَةِ، وَ الْمَجْدِ وَ الْفَضِيلَةِ، وَ الْحِكْمَةِ وَ الْغِنَاءِ، وَ السَّعَةِ وَ الْبُسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ، وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَ النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ، وَ الثَّنَاءِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، وَ الْأَلَاءِ الْكَرِيمَةِ، مَلِكِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا فِيهِنَّ، تَبَارَكَ اللَّهُ وَ تَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ، وَاطَّلَعَ عَلَى مَا تَجْنِي الْقُلُوبُ، فَلَيْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَ
لَا مَهْرَبٌ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ، الْعَزِيزِ فِي مَكَانِهِ، الْمُتَجَبِّرِ فِي مُلْكِهِ،
الْقَوِيُّ فِي بَطْشِهِ، الرَّفِيعُ فَوْقَ عَرْشِهِ، الْمُطَّلِعُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ الْبَالِغُ لِمَا
أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشُّدَادُ، وَ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُونَ
الْمِهَادُ، وَ انْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرُّوَاسِي الْأَوْتَادُ، وَ جَرَتِ الرِّيَاحُ اللُّوَاقِحُ، وَ
سَارَتْ فِي جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ، وَ وَقَفَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَ
وَجَلَّتِ الْقُلُوبُ عَنْ مَخَافَتِهِ، وَ انْقَمَعَتِ الْأَزْبَابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ، تَبَارَكْتَ يَا
مَخْصِي قَطْرِ الْمَطَرِ، وَ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَ مُحْيِي أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ.
سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا آتَاكَ
مُسْتَجِيرًا مُسْتَعِينًا؟ مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفَنَانِكَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضَاكَ وَ عَدَا
إِلَيْكَ فَجَنَّا بَيْنَ يَدَيْكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ؟ فَلَا يَكُونَنَّ يَا رَبِّ
حَظِّي مِنْ دُعَائِي الْحَرْمَانَ، وَ لَا نَصِيبِي مِمَّا أَرْجُو مِنْكَ الْخِذْلَانَ. يَا مَنْ
لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ، وَ لَا يَزُولُ كَمَا لَمْ يَزَلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا
مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولَ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سِنِيهَا تَدُورُ وَ أَنْتَ الدَّائِمُ
لَا تُبْلِيكَ الْأَزْمَانُ، وَ لَا تُعَيِّرُكَ الدُّهُورُ. يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ، وَ كُلُّ
رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ لِلضَّعِيفِ وَ الْقَوِيِّ وَ الشَّدِيدِ، قَسَمَتِ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ
الْخَلَائِقِ فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَ الْعُصْفُورِ.

اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمَقَامُ بِالنَّاسِ فَتَعَوَّذُ بِكَ فِي ضَيْقِ الْمَقَامِ. اللَّهُمَّ إِذَا
طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ طَوْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ

الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ. اَللّٰهُمَّ اِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْجَمَاعِمِ فَكَانَ بَيْنَهَا وَ
بَيْنَ الْجَمَاعِمِ مَقْدَارُ سَبِيلٍ وَ زَيْدٍ فِي حَرِّهَا حَرٌّ عَشْرِ سِنِينَ فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اَنْ
تُظِلَّنَا بِالْعَمَامِ وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَ الْكُرَاسِيَ نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ النَّاسُ
يَنْطَلِقُونَ فِي الْمَقَامِ، اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ.

اَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ اِلَّا غَفَرْتَ لِي وَ تَجَاوَزْتَ عَنِّي وَ
اَلْبَسْتَنِي الْعَافِيَةَ فِي بَدَنِي، وَ رَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِيْنِي، فَاِنِّي اَسْأَلُكَ وَ اَنَا
وَ اِثْقُ بِاِحْبَابِكَ اِيَّايَ فِي مَسْأَلَتِي وَ اَدْعُوْكَ وَ اَنَا عَالِمٌ بِاسْتِمَاعِكَ دَعْوَتِي،
فَاَسْتَمِعْ دُعَائِي، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَ لَا تُرَدِّ ثَنَائِي وَ لَا تُخَيِّبْ دُعَائِي، اَنَا
مُحْتَاجٌ اِلَى رِضْوَانِكَ وَ فَقِيْرٌ اِلَى غُفْرَانِكَ، اَسْأَلُكَ وَ لَا اَيْسُ مِنْ
رَحْمَتِكَ، وَ اَدْعُوْكَ وَ اَنَا غَيْرُ مُحْتَزِّزٍ مِنْ سَخَطِكَ. رَبِّ فَاسْتَجِبْ لِي
وَ اٰمُنْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِيْنَ. رَبِّ لَا تَمْنَعْنِي
فَضْلَكَ يَا مَنّٰنُ، وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي مَخْذُوْلًا يَا حَنَّٰنُ. رَبِّ اَرْحَمَ عِنْدَ
فِرَاقِ الْاَحِبَّةِ صَرَْعَتِي، وَ عِنْدَ سُكُوْنِ الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَ فِي مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ
غُرْبَتِي، وَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْقُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتَبِي.

رَبِّ اَسْتَجِيْرُكَ مِنَ النَّارِ فَاجِرْنِي. رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاعْذِنِي.
اَفْرَعْ اِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَاَبْعِدْنِي. رَبِّ اَسْتَرْحِمُكَ مَكْرُوْبًا فَارْحَمْنِي. رَبِّ
اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا جَهِلْتُ فَاعْفِرْ لِي. قَدْ اُبْرَزْنِي الدُّعَاءَ لِلْحَاجَةِ اِلَيْكَ
فَلَا تُؤَيِّسْنِي يَا كَرِيْمُ ذَا الْاِلَآءِ وَ الْاِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ.

يَا سَيِّدِي يَا بُرِّ يَا رَحِيْمُ اَسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِيْنَ اِلَيْكَ دَعْوَتِي، وَ
اَرْحَمِ بَيْنَ الْمُسْتَجِيْبِيْنَ بِالْعَوِيْلِ عِبْرَتِي، وَ اجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوْجِ
مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي وَ اَسْتُرْ بَيْنَ الْاَمْوَاتِ يَا عَظِيْمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي، وَ اَعْظِفْ

عَلَىٰ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِيداً إِلَىٰ حُفْرَتِي، إِنَّكَ أَمَلِي وَ مَوْضِعُ طَلَبَتِي وَ
 الْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي، فَأَقْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ
 (حَاجَتِي) فَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْمُرْتَجَى، أَوْرِئِكَ هَارِباً
 مِنَ الذُّنُوبِ فَأَقْبَلْنِي، وَ اتَّجِئُ مِنْ عَدْلِكَ إِلَىٰ مَغْفِرَتِكَ فَأَذْرِكْنِي، وَ أَلْتَاذُ
 بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَأَمْنَعْنِي، وَ اسْتَرْوِحْ رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَنجني، وَ
 أَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِّبْنِي، وَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ فَأَمِّنِي، وَ فِي ظِلِّ
 عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي، وَ مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً
 فَنجني، وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَىٰ النُّورِ فَأَخْرِجْنِي، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيِّضْ
 وَجْهِي، وَ حِسَاباً يَسِيراً فَحَاسِبْنِي، وَ بِسِرَائِرِي فَلَاتَفْضَحْنِي، وَ عَلَيَّ
 بِلَائِكَ فَصَبِّرْنِي، وَ كَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ
 عَنِّي، وَ مَا لِأُطَاقَةَ لِي بِهِ فَلَاتُحْمَلْنِي، وَ إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي، وَ
 بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي، وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي، وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 فَاحْفَظْنِي، وَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي، وَ بِحِلْمِكَ وَ
 عِلْمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنجني، وَ جَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَاسْكِنِّي،
 وَ النَّظَرَ إِلَىٰ وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي، وَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فَالْحَقِّنِي، وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ
 وَ أَوْلِيَائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَكُنِّفْنِي.

اللَّهُمَّ وَ أَعْدَائِي وَ مِنْ كَادَنِي بِسُوءٍ إِنْ آتَوَا بَرّاً فَجَبِّنْ شَجِيعَهُمْ، فَضِّ
 جَمْعَهُمْ، كَلِّلْ سِلَاحَهُمْ، عَرِّقْ دَوَابَّهُمْ، سَلِّطْ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَ
 الْقَوَاصِفَ أبدأً حَتَّىٰ تُصَلِّيَهُمُ النَّارَ، أَنْزِلْهُمْ مِنْ صَيَاصِيهِمْ، أَمْكِنَّا مِنْ
 نَوَاصِيهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ،
 صَلَاةً يَشْهَدُ الْأَوْلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ قَائِدِ

الْخَيْرِ وَ مِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ
 رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْإِحْرَامِ، أْبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا
 التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،
 سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،
 فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَ
 أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، آمِينَ رَبَّ
 الْعَالَمِينَ.^۱

سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که ستایش او را گویندگان به شمارش
 در نیاورند. سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که نعمتهایش را شمارندگان
 نشمارند. سپاس شایسته خداوندی است که حقیقش را تلاشگران ادا ننمایند.
 نیست معبودی جز او که هم اول است و هم آخر. نیست معبودی جز او که هم
 ظاهر است و هم باطن. نیست معبودی جز او که هم زنده کننده است و هم
 میراننده. او خداوند برتر است و صاحب فضل. او خداوند برتر است و باقی و
 جاویدان. سپاس مخصوص خداوندی است که دانایان به ژرفای دانشش
 نمی‌رسند، و نادانان بردباری او را از بین نبرند، و ستایشگران به مدح او دست
 نیابند. و وصف‌کنندگان در وصف او عاجز، و مخلوقات از دست یافتن به
 کمالاتش ناتوانند.

سپاس خداوندی را شاید که ملک و ملکوت از اوست. خداوندی که عظمت و
 جبروت، عزت و کبریا، بها و جلال، مهابت و جمال، عزت و قدرت، نیرو و منت،
 غلبه و فضل و نعمت، عدل و حق، آفرینش و برتری، رفعت و مجد، فضیلت و

حکمت، بی‌نیازی و وسعت، بسط و قبض، و حلم و علم جمله از آن اوست. کسی که دارای دلیل روشن، و نعمت گسترده، و توصیف زیبا، و نعمتهای گرامی است. و پادشاه دنیا و آخرت، و بهشت و جهنم و آنچه در آنهاست، می‌باشد. سپاس و ستایش شایسته‌ی خداوندی است که رازهای پنهانی را می‌داند، و بر اسرار قلبها آگاه است و راه فراری از او یافت نمی‌شود.

سپاس خداوندی را سزاست که در سلطنتش متکبر، و در جایگاهش محکم، و در پادشاهیش قدرتمند، و در مجازات نمودنش نیرومند، و در بالای عرش برتر است. خداوندی که آگاه به اعمال مردم است، و توانا بر آنچه می‌خواهد.

ستایش از آن خداوندی است که به نیروی او آسمانهای محکم برپا ایستاده، و زمینهای گاهواره مانند بر جای خود ثابت گردیده‌اند. کوههای استوار که باعث تثبیت زمین هستند میخکوب شده، و بادهای بارور کننده جریان می‌یابند، ابرها در آسمان به حرکت درآمده، و دریاها در محدوده‌ی خود متوقف گردیده‌اند، و قلبها از بیم او به لرزه درمی‌آیند، و خداوندگاران موهوم در برابر ربوبیت او خوار و ذلیلند. خجسته باد شمارنده‌ی عدد قطره‌های باران و برگهای درختان، و زنده کننده‌ی مردگان برای گرد آمدن در روز قیامت. منزّه باد خداوندی که دارای جلالت و کرم است. خداوندا! در مقابل غریب و نیازمند، آنگاه که به تو پناهنده شود و از تو یاری جوید، چه می‌کنی؟ در برابر کسی که به درگاه تو آمده و خشنودیت را می‌جوید، و در پیشگاه تو بر زمین افتاده، و از آنچه که بدان دانایی شکایت می‌کند، چه می‌کنی؟ بارالها! بهره‌ام را از التجایم ناامیدی قرار مده، و نصیبم را از آنچه که از تو امید دارم بیچارگی مقرر نفرما، ای کسی که همواره بوده و جاودانه خواهد بود و بر اعمال بندگان آگاه است. ای کسی که روزهای دنیا را درگذر، و ماههای آن را در تحوّل، و سالهای آن را در حال گردش قرار داد. تو همواره خواهی بود و ازمنه تو را نابود نخواهند ساخت، و ادوار در تو تغییر نتوانند داد. ای

کسی که هر روز برای او تازه است، و حصّه و روزی هر کس، از ضعیف و قوی و شدید نزد او آماده است. تو روزیها را بین بندگان تقسیم می‌کنی، و بین مخلوقات عدالت را برقرار می‌نمایی. خداوندا! آنگاه که میان مردم بودن دشوار می‌باشد از دشواری آن به تو پناه می‌برم. بارالها! آنگاه که روز قیامت بر گنهکاران طولانی می‌گردد، آن روز را مانند فاصله بین دو نماز بر ما کوتاه گردان. بارالها! آنگاه که خورشید در روز قیامت به شدت تابیده و نزدیک مردم می‌گردد، و فاصله بین آن و مردم یک میل می‌شود، و به اندازه ده سال حرارت آن افزایش می‌یابد، از تو می‌خواهم که ما را در سایه رحمت خود قرار داده، و در حالی که مردم برای حسابرسی می‌روند جایگاههایی برای ما مقرر فرمایی که بر آنها قرار گیریم. ای پروردگار جهانیان! خواهانم که اجابت فرمایی.

خداوندا! به حق این ستایشها از من درگذر، و مرا مورد غفران خود قرار ده، و سلامتی در بدن و دین را به من عنایت فرما. پروردگارا! در حالی که به اجابت خواسته‌ام از جانب تو اطمینان دارم، از تو حاجتم را خواهانم، و در حالی که می‌دانم سخنم را می‌شنوی، تو را می‌خوانم. پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع نکن، و مدح و ثنایم را رد نما، و ناامیدم مکن؛ چرا که من نیازمند خشنودی و بخشش تو هستم، و از تو حاجت خواسته و از رحمت مأیوس نیستم، و تو را می‌خوانم در حالی که از غضب تو هراسان می‌باشم. خداوندا! دعایم را اجابت فرما، و با بخشش بر من منت گذار، و مرا مسلمان بمیران، و به صالحین ملحق بفرما. ای پروردگار من! ای مٔان! مرا از فضل خود منع مکن، و در حال بیچارگی به خود وامگذار، ای مهربان! بارالها! رحم کن زمین خوردنم را هنگام مرگ و فراق دوستان، و تنهاییم را هنگام جای گرفتن در قبر، و غربتم را در روز قیامت، و نیازم را آن هنگام که برای حسابرسی در پیشگاهت قرار می‌گیرم.

خداوندا! از آتش دوزخ به تو پناه می‌برم، پناهم ده. بارالها! از تو نجات از

آتش را خواهانم، نجاتم ده. پروردگارا! از هراس آتش به تو روی می‌آورم، مرا از آتش دور دار. خداوندا! با بیچارگی از تو رحمت می‌طلبم، مرا از رحمت خود مأیوس مفرما. پروردگارا! در برابر نادانیهای خود از تو طلب بخشش دارم، مرا مورد بخشش خود قرار ده. خداوندا! خواسته‌ام مرا در مقابل تو برای طلب حاجت قرار داد، پس مرا مأیوس مکن، ای بزرگوار و صاحب نعمتها و احسان و گذشت از خطاها!

مولای من! ای نیکوکار و ای مهربان! در بین زاری کنندگان دعایم را اجابت فرما، و در میان فریاد زندگان سرشک دیده‌ام را مورد رحمت خود قرار ده، و آسایش مرا هنگام ملاقات تو، آن زمان که از این دنیا رخت می‌بندم، مقرر فرما. ای نهایت امید امیدواران! در میان مردگان عییم را بیوشان، و آنگاه که به تنهایی در میان قبر قرار می‌گیرم بر من لطف نما، به درستی که تو آرزوی من، و جایگاه ابراز خواسته‌هایم، و دانا به حاجت‌هایم هستی. ای برآورنده حاجتها! خواسته‌هایم را برآور، شکایتم به درگاه توست، و تو یاور و امید من هستی. از گناهانم به درگاه تو می‌گریزم. پس مرا پذیرا باش، و از عدالت تو به سوی غفران و بخشش پناه می‌برم. خداوندا! مرا دریاب، و از خشمت به بخشش پناه می‌جویم، پناهم ده، و از عقاب تو با دستاویز قرار دادن رحمتت آسودگی می‌طلبم، مرا نجات ده. من با دین اسلام خواستار نزدیکی به توأم. مرا به خود نزدیک گردان، و از هراس روز قیامت ایمن دار، و در سایهٔ عرشت جایگاهم ده، و مشمول رحمت گردان، و از قرآن بهره‌مند ساز و با گفتار صحیح مرا ثابت قدم گردان، و از شیطان رانده شده حفظ فرما، و در بهشت فردوس ساکن گردان، و دیدار رویت را نصیبم نما. مرا به پیامبرت محمد ملحق کن، و از شیاطین و دوستان آنها و از شرّ هر شروری کفایت فرما.

پروردگارا! دشمنانم و کسانی که نسبت به من کینه در دل دارند، اگر قصد آزار

مرا نمودند، قلب شجاعانشان را ضعیف، لشکریانشان را متفرّق، سلاحهایشان را از کار افتاده، و حیواناتشان را ناتوان گردان. پس آنگاه بادهای سخت و طوفانها را بر آنان مسلّط فرما، تا ایشان را به آتش وارد سازی. آنان را از آنچه که بدان پناه بسته‌اند فرود آور، و ما را بر نابودیشان قادر فرما. ای پروردگار جهانبیان اجابت فرما! خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که پیشینیان به همراه نیکان، و پیشوای فرستاده‌شدگان و آخرین پیامبران، و راهبر خیر و کلید رحمت بر آن شاهد باشند.

بارالها! ای پروردگار خانهٔ کعبه و ماه مقدس - ماه ذیحجه - و مشعر محترم. ای پروردگار رکن و مقام! و ای پروردگار حلّ و حرم! به روح مقدّس محمّد از جانب ما سلام و درود فرست. سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، و سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای محمّدبن عبدالله، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد. محمّد آنچنان که توصیفش فرموده‌ای به مؤمنان مهربان و دلسوز است. خداوندا! برتر از آنچه از تو خواسته، و برای او تاکنون خواسته شده، و تا روز قیامت برای او خواسته می‌شود، به او عطا کن، ای پروردگار جهانبیان! اجابت فرما.

تعقیب نماز عشاء

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَ مَلِكِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَزْمَتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ، وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ، وَ حَاصِرِ الْبِحَارِ، وَ نَاصِدِ الْجِبَالِ، وَ بَارِي الْحَيَوَانِ، وَ خَالِقِ الشَّجَرِ، وَ فَاتِحِ يَتَابِعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ

مُسَيِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ
مُتَصَاعِدَاتٍ فِي السَّمَاءِ، وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ، الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَمَّتْ
الصَّالِحَاتُ، وَ بِشُكْرِهِ تُسْتَوْجَبُ الزِّيَادَاتُ، وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ، وَ
بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَّاتُ، وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفُلُوتِ وَ الطَّيْرُ فِي
الْوُكُنَاتِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُنْزِلِ الْآيَاتِ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ، سَاتِرِ
الْعُورَاتِ، قَابِلِ الْحَسَنَاتِ، مُقْبِلِ الْعَثَرَاتِ، مُنْفِسِ الْكُرْبَاتِ، مُنْزِلِ
الْبَرَكَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، مُحْيِي الْأَمْوَاتِ، إِلَهٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ
السَّمَوَاتِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ، وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ، وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ، وَ
قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ، وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَةٍ، وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ
فَرِيضَةٍ، وَ سَرَاءٍ وَ ضَرَاءٍ، وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ، وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ، وَ عُسْرٍ وَ
يُسْرٍ، وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ، وَ كُلِّ مَثْوَى
وَ مُتَقَلِّبٍ وَ مَقَامٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدٌ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ مُسْتَجِيرٌ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَ مُسْتَعِينٌ بِكَ
فَاعْنِي، وَ مُسْتَعِيثٌ بِكَ فَأَعِثْنِي، وَ دَاعِيكَ فَأَجِبْنِي، وَ مُسْتَعْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي
وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصِرْنِي، وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي، وَ مُسْتَكْفِيكَ فَاكْفِنِي، وَ
مَلْتَجِ إِلَيْكَ فَأَوِّنِي، وَ مَتَمَسِّكَ بِحَبْلِكَ فَاعْصِمْنِي، وَ مُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ
فَاكْفِنِي، وَ أَجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ وَ جِوَارِكَ، وَ حِرْزِكَ، وَ كَنْفِكَ، وَ
حِيَاظَتِكَ، وَ حِرَاسَتِكَ، وَ كِلَابَتِكَ وَ حُرْمَتِكَ، وَ أَمِّكَ، وَ تَحْتَ ظِلِّكَ، وَ
تَحْتَ جَنَاحِكَ، وَ أَجْعَلْ عَلَيَّ جُنَّةً وَاقِيَةً مِنْكَ، وَ أَجْعَلْ حِفْظَكَ، وَ

حَيَاتِكَ وَ حَرَاسَتِكَ، وَ كِلَاتِكَ مِنْ وَرَائِي، وَ أَمَامِي، وَ عَن يَمِينِي، وَ عَن شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي، وَ مِنْ تَحْتِي، وَ حَوَالِي حَتَّى لَا يَصِلَ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِِي وَ آذَائِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ، وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ، وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ، وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَ حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ، وَ غِيلَةَ الْمُغْتَابِينَ، وَ غِيْبَةَ الْمُغْتَابِينَ، وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ، وَ جَوْرَ الْجَائِرِينَ، وَ أَعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ، وَ سَخَطَ الْمُتَسَخِّطِينَ، وَ تَسْحُبَ الْمُتَسْحِبِينَ، وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ، وَ أَقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ، وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ، وَ خَبَطَ الْخَابِطِينَ، وَ سِعَايَةَ السَّاعِينَ، وَ نَمَامَةَ النَّمَامِينَ، وَ سِحْرَ السَّحْرَةِ وَ الْمَرْدَةَ وَ الشَّيَاطِينَ، وَ جَوْرَ السَّلَاطِينَ، وَ مَكْرُوهُ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلْمُ، وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ جِلَّتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ، وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ، عَمْدًا أَوْ خَطَاءً، سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا، وَ هَدْيًا، وَ نُورًا وَ عِلْمًا، وَ فَهْمًا حَتَّى أُقِيمَ كِتَابَكَ، وَ أُحِلَّ حَلَالِكَ، وَ أُحَرِّمَ حَرَامَكَ، وَ أُؤَدِّيَ فَرَائِضَكَ، وَ أُقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى، وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَ آخِثِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. اللَّهُمَّ إِذَا فَنَى عُمْرِي، وَ تَصَرَّمَتْ أَيَّامَ حَيَاتِي، وَ كَانَ لِأَبَدِي لِي مِنْ لِقَائِكَ فَاسْأَلُكَ يَا لَطِيفُ أَنْ

تُوجِبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغِطُّنِي بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ أَقْبِلْ مِدْحَتِي وَالتَّهْفِي، وَارْحَمْ ضُرَاعَتِي وَهْتَايَ، وَإِقْرَارِي
عَلَى نَفْسِي وَاعْتِرَافِي، فَقَدْ أَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ، وَخُشُوعِي
فِي الضَّارِعِينَ، وَمِدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ وَتَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ، وَأَنْتَ
مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُغِيثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَغِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ، وَحِرْزُ
الْهَارِبِينَ، وَصَرِيحُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ، وَالسَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَعَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ دَاخِيَ الْمَدْحُوتِ، وَبَارِي الْمَسْمُوكَاتِ، وَجِبَالِ الْقُلُوبِ عَلَى
فَطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَسَعِيدِهَا، اجْعَلْ شَرَايِفَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ
رَوَافِهِ تَحِيَّاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ، وَآمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ،
الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ، وَالذَّابِّ عَنِ حَرَمِكَ، وَالضَّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالْمُشِيدِ
بِآيَاتِكَ، وَالْمُوفِي لِنَذْرِكَ.

اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ، وَمُنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ، وَحَالٍ مِنْ
أَحْوَالِهِ، وَمَنْزِلَةٍ مِنْ مَنْازِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا، وَعَلَى مَكْرُوهِ
بِلَائِكَ صَابِرًا، وَلِمَنْ عَادَاكَ مَعَادِيًا، وَلِمَنْ وَالَاكَ مُوَالِيًا، وَعَنْ مَا
كَرِهْتَ نَائِيًا، وَإِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِيًا فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ، وَخَصَائِصَ مِنْ
عَطَائِكَ وَحَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا أَمْرَهُ، وَتُعَلِّي بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقَوْمِ بِقِسْطِكَ،
وَالذَّابِّينَ عَنِ حَرَمِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى سِنَاءٌ وَلَا بَهَاءٌ، وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كَرَامَةٌ
إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ، وَآتَيْتَهُ مِنْهُ الدَّرِيَّ وَبَلَّغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى،
آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُودِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ. وَاجْعَلْنِي

فِي كَنَفِكَ، وَ حِفْظِكَ، وَ عِزِّكَ، وَ مَنَعِكَ. عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، حَسْبِي أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، وَ نِعَمَ الْوَكِيلِ. رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا، وَ إِلَيْكَ آبَيْنَا، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. رَبَّنَا لِاتِّجَعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَ أَغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا، إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا. رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ. رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا. رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ آعِظْ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ آرْحَمْنَا، أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.^۱

پاک و منزّه است پروردگاری که تمامی موجودات در برابر بزرگی و عظمت او سر تعظیم فرود آورده‌اند. پاک و منزّه است آن‌که همه اشیاء در برابر عزّت او خوار و ذلیلند. پاک و منزّه است ذاتی که هر چیز در برابر فرمان و پادشاهی او خاضع می‌باشد. پاک و منزّه است آن‌که هر چیز در حیطه قدرت او قرار دارد. سپاس خداوندی را سزااست که هر که او را یاد کند فراموشش نکند. سپاس از آن خداوندی است که هر که او را بخواند، ناامیدش ننماید. سپاس شایسته خداوندی است که هر که بر او تکیه و توکل نماید، او را کفایت کند. سپاس و ستایش

مخصوص خداوندی است که آسمانها را برافراشت، و زمین را مسطح گردانید، و دریاها را محدود ساخت، و کوهها را به سان رشته‌هایی درآورد، و حیوانات را آفرید، و درختان را ایجاد کرد، و چشمه‌سارانی در زمین بگشود، و امور را تدبیر کرد، و ابرها را به گردش درآورد، و بخار و آب و آتش را از اعماق زمین به سوی آسمان بالا برد، و گرما و سرما را در زمین قرار داد. خداوندی که با نعمتهایش کارهای نیک کامل شده، و شکر او موجب افزایش نعمتها می‌گردد، و با فرمانش آسمانها پایدار گردیده، و با عزت‌ش کوههای سربرافراشته مستقر گردیده‌اند، و حیوانات وحشی در بیابانها و پرندگان در آشیانه‌ها به تسبیح او مشغولند.

سپاس خداوندی را سزاست که بالا برنده درجات، و فرو فرستنده آیات، و گستراننده برکتها، و پوشاننده عیبها، و قبول کننده نیکیها، و درگذرنده از لغزشها، و برطرف کننده رنجها، و اجابت کننده خواسته‌ها، و زنده کننده مردگان، و پروردگار زمین و آسمانهاست.

سپاس و ستایش خداوند را، بر هر مدح و ذکری، بر هر شکر و صبری، بر هر نماز و زکاتی، بر هر قیام و عبادتی، بر هر سعادت، بر هر برکت و زیادت، بر هر رحمت و نعمتی، بر هر کرامت و واجبی، بر هر خوشی و ناراحتی، بر هر شدت و آسایشی، بر هر مصیبت و بلایی، بر هر سختی و راحتی، بر هر بی‌نیازی و فقری، بر هر حالی، و در هر زمان و هنگامی، و در هر مکان و جایگاه توقف و گذری.

پروردگارا! به تو پناه می‌برم، مرا پناه ده. از تو یاری می‌جویم، یاریم کن. از تو فریادرسی می‌طلبم، به فریادم برس. تو را می‌خوانم، مرا اجابت کن. از تو آمرزش می‌طلبم، مرا ببخش. از تو کمک می‌جویم، مرا کمک نما. از تو هدایت می‌خواهم، مرا هدایت کن. از تو کفایت می‌جویم، مرا کفایت نما. و به سوی تو پناه آورده‌ام، مرا پناه ده. و به ریسمان تو چنگ زده‌ام، مرا حفاظت نما. و بر تو

توکل نموده‌ام، مرا کفایت کن. بارالها! مرا در پناه و حفاظت، و حراست و کفایت، و حرمت و امتیّت، و در زیر سایه رحمت خود قرار ده. و بر من سپر محکمی از جانب خود مقرر فرما. از پیشاپیش و پشت سر، و سمت چپ و راست، و از بالا و پایین و اطرافم مرا از جانب خودت حفظ و حراست فرما، تا هیچیک از مخلوقات توان صدمه رساندن به من را نداشته باشند، و مرا مورد آزار خود قرار ندهند، به حقّ آنکه جز تو معبودی نیست. تو مَنّائی، آفریننده آسمانها و زمینی، صاحب جلالت و بزرگواری هستی.

پروردگارا! حسد حسودان، و تجاوز تجاوزگران، و کید مکاران، و نیرنگ نیرنگ‌بازان، و حیلۀ حیلۀ‌گران، و ظلم ستمگران، و جور جائزین، و دشمنی دشمنان، و اجبار اجبارکنندگان، و ستم ظالمان، و سعایت سعایتگران، و تهمت تهمت‌زنان، و سحر جادوگران و رانده شده‌ها و شیاطین، و بیداد پادشاهان، و کارهای زشت جهانیان را از من دور دار.

خداوندا! به نام پوشیده و پاک و پاکیزه‌ات، که آسمانها و زمین بدان استوار شده، و تاریکیها بدان درخشان گردیده، و فرشتگان بدان تسبیح گو شده، و قلبها از آن در هراس افتاده، و گردن‌ها به خاطرش کج گردیده، و مردگان بدان زنده می‌شوند، از تو می‌خواهم که هر گناهی را که از روی عمد و خطا، آشکار و نهان، در تاریکیهای شب و روشنایی روز، انجام داده‌ام ببخشایی و به من یقین و هدایت، و نور و علم و فهمی عنایت کنی، که احکام کتابت را برپا داشته، و حالالت را حلال، و حرمت را حرام نموده، و واجبات را انجام و سنّت پیامبرت محمّد را برپا دارم.

بارالها! مرا به نیکان گذشته ملحق کن، و از درستکاران باقیمانده قرار ده، و اعمالم را به نیکوترین آنها خاتمه بخش، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی. پروردگارا! آنگاه که عمرم به پایان رسیده، و روزگار زندگی خاتمه یافته، و باید به

ملاقات تو آیم، ای مهربان! از تو می‌خواهم که منزلی در بهشت به من عنایت کنی، که تمام مخلوقات از اولین و آخرین بدان حسرت خورند.

خداوندا! ستایشم را پذیرا باش، و به تضرع و زاریم، و نیز اقرار و اعترافم بر علیه نفسم ترحم نما. صدایم را همراه خوانندگان تو، و خشوعم را همراه تضرع کنندگان، و مدحم را همراه گویندگان، و تسبیحم را همراه ستایشگران، به گوش تو رساندم. تو اجابت کننده بیچارگان و فریادرس فریادخواهان، و دادرس گرفتاران، و پناه فرارکنندگان، و فریادرس مؤمنان، و درگذرنده از گناه گناهکاران می‌باشی. و درود خدا بر بشارت دهنده و بیم‌دهنده و نور درخشان بر فرشتگان و پیامبران باد.

پروردگارا! ای گستراننده زمینها، و آفریننده آسمانها، و خالق جانهای بدبخت و خوشبخت بر سرشت خود! شریفترین درودهایت، و بالنده‌ترین برکاتت، و ارزشمندترین تحیاتت را، بر محمد، بنده و فرستاده و امین بر وحیت، برپا دارنده حجتت، و نگاهبان حرمتت، و انجام دهنده اوامرت، و محکم کننده آیاتت، و انجام دهنده نذرت، نثار کن.

خداوندا! در مقابل هر فضیلتی از فضایل او، و هر منقبتی از مناقب او، و هر حالتی از حالات او، و هر منزلتی از منزلتهای او، که محمد را در آن منزلتها یاور خود ساخته‌ای، و بر رنجها صابر، و بر دشمنانت دشمن، و بر دوستانت دوست، و از مکروهات دور، و به سوی آنچه خوانده‌ای خواننده یافته‌ای، پاداش‌های افزون و عطا‌های ویژه‌ات را به او عطا فرما، که امرش را برتر و درجه‌اش را بلند مرتبه گردانی، همراه با به‌پادارندگان عدل تو و مدافعین از حرم تو، تا اینکه برتری و ارزش و رحمت و کرامتی باقی نماند، جز آنکه محمد را بدان مخصوص گردانی، و از جانب خود درجات عالی به او عطا فرمایی، و او را به مقامات بلند برسانی، پروردگار جهانیان اجابت فرما.

بارالها! دین و جان و تمام نعمتهایی را که به من داده‌ای، به تو می‌سپارم، پس مرا در حفظ و حراست و کفایت خود قرار ده. حفاظت تو پایدار، و مدح تو بلند مرتبه، و نامهایت مقدّس است، و جز تو پروردگاری نیست. تو در خوشحالی و ناراحتی و شدّت و آسایش مرا کافی بوده، و بهترین نگهبانی. پروردگارا! بر تو توکل کرده، و به سوی تو زاری نموده، و بازگشتمان به سوی توست. خداوندا! ما را وسیلهٔ آزمایش کسانی که کافر شده‌اند قرار مده، و ما را بیمارز، به درستی که تو استوار و پابرجائی. خداوندا! عذاب جهنّم را از ما دور گردان چرا که عذاب آن جاودانه می‌باشد. به راستی که جهنّم بد جایگاه و قرارگاهی است. پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم نما، که تو بهترین حکم‌کنندگانی. پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببخشای، و خطاهایمان را ببوشان و ما را با نیکان بمیران. خداوندا! آنچه به فرستادگانت وعده داده‌ای به ما عطا فرما، و روز قیامت ما را عذاب منما، به درستی که تو خلف وعده نمی‌کنی. بارالها! اگر فراموش کرده یا خطا نمودیم ما را سرزنش منما. پروردگارا! تکلیف سخت بر عهدهٔ ما قرار مده، همچنانکه بر عهدهٔ کسانی که پیش از ما بوده‌اند قرار دادی. خداوندا! چیزهایی را که ما بر آنها قدرت نداریم بر دشمنان قرار مده، و از ما درگذر، و ما را ببخشای، و مورد رحمت خود قرار ده، تو مولای ما هستی، پس ما را بر گروه کافران یاری کن. خداوندا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما، و به رحمتت ما را از عذاب آتش نگاهبان باش؛ و درود خدا بر آقای ما پیامبر و خاندان پاک او.

دعای توسّل به حضرت علیها السلام

از شیخ خود آیه الله مرحوم، مولی علی معصومی شنودم که در توسّل به بی‌بی دو عالم علیها السلام می‌فرمود: در توسّل به حضرتش پانصد و سی مرتبه می‌گوئی:

مکارم اخلاق حضرت زهرا علیها السلام * ۱۰۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بَعْدَ مَا أَحاطَ بِهِ
عِلْمُكَ.

خداوندا، بر فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش به تعداد آنچه
دانشت بر آن احاطه دارد، درود فرست!

همچنین از هموست که فرمود: در توّسل به حضرتش می گوئی:

إِلَهِي بِحَقِّ فاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ
فِيهَا

خداوندا، به حقّ فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش و به آن سرّ
و رازی که در وی به امانت و ودیعه گذاشته شده است.

که اگر خدا بخواهد حاجت روا خواهی شد.

۶ - ایثار و فداکاری

۱ - از جابر بن عبدالله انصاری روایت است که گفت: ما با رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز عصر را به جماعت برگزار نمودیم. حضرت پس از
فراغ از نماز در جای خود نشستند و مردم گرداگرد ایشان حلقه زدند.
در حینی که ما خدمت حضرت بودیم پیرمردی بینوا از راهی دور به
مسجد آمد. بر تن وی لباس کهنه و پاره‌ای بود و آنچنان وضعش
ناراحت کننده بود که نمی توانست خود را از شدت پیری و ضعف
نگهدارد. رسول خدا روی بدو کرده از حال و روزش جويا شدند. مرد
مستمند گفت: ای پیامبر خدا، گرسنه‌ام، سیرم کنید. عریانم، مرا
پوشانید و فقیر و نادارم، احسانم کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من
اکنون چیزی ندارم تا به تو دهم ولی از آنجا که راهنما به سوی کار نیک

مانند نیکوکار است تو را به منزل دخترم راهنمایی می‌کنم. همان دختری که خدا و رسولش او را دوست داشته، او هم خدا و رسول او را دوست می‌دارد. او کسی است که همواره رضای خدا را بر خواست خویش مقدم می‌شمارد پس به سوی منزل فاطمه رهسپار شو.

خانه فاطمه زهرا جنب منزل پیامبر و چسبیده به آن بود. همان خانه‌ای که رسول خدا برای خود بنا کرده بود. پیامبر خطاب به بلال کرده فرمودند: ای بلال! از جای برخیز و این مرد را بر در خانه فاطمه برسان.

اعرابی همراه با بلال شد تا به خانه فاطمه زهرا رسید و با صدائی رسا فریاد برآورد: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و ای کسانی که فرشتگان در خانه شما آمد و شد دارند و ای آنانی که روح الامین، حضرت جبرئیل پیام پروردگار را برای شما می‌آورد! فاطمه زهرا پاسخ دادند: وعلیک السلام، تو کیستی؟ عرض کرد: مردی اعرابی هستم که نزد پدرتان، آقای آدمیان رفتم و گفتم که از راه دور آمده‌ام و مشقت دیده‌ام حال ای دخت پیامبر! برهنه و گرسنه‌ام مرادستگیری نمایید و امیدوارم که خدا یاریتان کند. در آن لحظه که مرد مستمند از فاطمه زهرا درخواست کمک و یاری می‌نمود، سه روز بود که در خانه فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین طعامی یافت نمی‌شد و رسول خدا بر این مطلب وقوف کامل داشتند.

صدیقه کبری، فاطمه زهرا پوست دباغی شده گوسفندی را که حسن و حسین علیهم السلام بر روی آن می‌آرمیدند برداشتند و به پیرمرد مستمند مرحمت فرمودند و اظهار داشتند: امیدوارم خدا بهتر از این نصیب و روزیت گرداند. مرد عرب گفت: ای دخت خیرالبشر من به شما از

گرسنگی و جوع شکایت کردم شما به من پوست دباغی شده گوسفند عطا می‌کنید با این پوست چگونه سدّ جوع کنم؟ جابر گوید: چون صدّیقه طاهره این سخن را از آن مستمند نادار شنیدند گردنبندی را که در گردن داشتند - و دختر عمویشان، فاطمه دخت حمزه به حضرت به رسم هدیه پیشکش نموده بود - از گردن باز کرده و به اعرابی دادند و فرمودند: بگیر، آن را به فروش برسان شاید که خدای تعالی بهتر از آن روزی تو نماید.

اعرابی گردنبند را گرفته راهی مسجد رسول خدا شد و در حالیکه پیامبر میان جمع یاران جلوس فرموده بودند برایشان وارد شد و اینگونه عرضه داشت: ای رسول خدا! دختر شما این گردنبند را به من داده فرمودند آن را به فروش برسانم تا خداوند گره از کارم بگشاید. جابر گوید: رسول اکرم گریستند و فرمودند: چگونه خدا گره از کار تو باز نکند و حال آنکه این گردنبند را دخت محمّد، ملکه بانوان عالم به تو بخشیده است؟!

عمّار یاسر برخاسته عرض کرد: ای گرامی فرستاده پروردگار جهانیان! آیا مرا اجازه می‌فرمایید تا این گردنبند را بخرم. حضرت فرمودند: آری، ای عمّار! اگر مردم جهان هم با تو در خریدن این گردنبند شرکت نمایند خدای تعالی هیچ‌یک از آنان را به آتش دوزخ در نخواهد افکند. عمّار از مرد نادار پرسید: گردنبند را به چه قیمتی بفروش می‌رسانی؟ گفت: به وعده‌ای طعام که سیرم گردانند و بُردی یمانی که تن پوشم باشد و در آن برای فرمانبرداری از فرمان خدای سبحان نماز گزارم و پولی که مرا به خانواده‌ام برساند. عمّار یاسر سهمیه و غنیمت خویش را که پیامبر در غزوه خیبر بدو بخشیده بود

فروخت و به مرد مستمند گفت: به تو بیست دینار طلا و دو بیست درهم نقره هَجْری^۱ و بُردی یمانی و ره توشه‌ای که تو را به خانواده‌ات برساند به علاوه یک وعده غذایی که سیرت نماید در مقابل گردن‌بند خواهم داد. که از آن پولی که بابت فروختن سهمیه و غنیمت خویش به دست آورده بود چیزی باقی نماند. پیرمرد گفت: تو عجب مرد سخاوتمند و بخشنده‌ای هستی! عَمّار با او در راه شد و آنچه را که عهده‌دار شده بود بدو پرداخت.

اعرابی نزد رسول اکرم آمد و پیامبر سؤال فرمودند: آیا سیر و پوشانده شدی؟ پاسخ داد: آری، و بی‌نیاز هم شدم. حضرت فرمودند: پس فاطمه را دعا کن. اعرابی دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! تو خدائی نیستی که ما تو را ساخته باشیم؛ آنچه بر زبان می‌آورم می‌شنوی و غیر تو معبودی وجود ندارد که سزاوار پرستش ما باشد. تو ای پروردگار، روزی دهنده مائی. خداوندا! به فاطمه آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده عطا و عنایت فرما.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر دعای پیرمرد اعرابی آمین گفتند؛ سپس روی به یاران خود نموده گفتند: خداوند در دنیا اینها را به فاطمه عطا نموده است: من پدر اویم که کسی در جهان همچو من یافت نمی‌شود. علی شوهرش است که اگر علی نبود هم‌تا و همسری برای فاطمه تا ابد یافت نمی‌شد. به او حسن و حسین ارزانی شده است که مثل و مانندی در دنیا نداشته آقای جوانان فرزندان و اسباط انبیاء و آقای جوانان اهل بهشت هستند آنگاه در حالی که مقداد، سلمان و عَمّار نزدشان شرفیاب بودند

۱ - هَجْر ناحیه‌ای است در سواحل عربستان و جنوب خلیج فارس که در قدیم الایام از مراکزی بود که به ضرب سکه شهرت داشت - مترجم.

فرمودند: آیا شأن و مقام او را بیشتر برای شما بازگو کنم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. حضرت فرمودند: آیا می خواهید بیشتر بگویم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا! حضرت فرمودند: روح - جبرئیل - به نزد آمد و گفت: همانا زمانی که روح از بدن فاطمه زهرا مفارقت می کند و او را دفن می کنند دو ملک در قبر از او می پرسند: پروردگارت کیست؟ گوید: خدا پروردگار من است. گویند: پیامبرت کیست؟ گوید: پدرم، گویند: ولایت کیست؟ گوید: این که بر لبة قبرم ایستاده یعنی علی بن ابی طالب. آگاه باشید تا شما را از مقام او بیشتر آگاه کنم. خداوند برای او گروهی از ملائکه را مأمور نموده تا او را از جلو و پشت و چپ و راست حفظ و نگاهبانی کنند که این گروه در هنگام حیات و مرگ و قبر با حضرتش همراهند و دائماً درود بر او و پدر و شوهر و فرزندان او می فرستند. پس هر کس که بعد از وفات من او را زیارت کند گویا مرا زیارت کرده و هر کس علی را زیارت کند گویا فاطمه را زیارت کرده و هر کس حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده و هر کس ذراری ایشان را زیارت کند مثل این است که حسن و حسین را زیارت کرده باشد.

جابر گوید: عمار گردنبنند را گرفته آن را به مشک آلوده و معطر گرداند و در یک برد یمانی پیچید و به دست برده خود که نامش «سهم» بود و از نبرد خیبر به وی رسیده بود، سپرد و گفت: این گردنبنند را بگیر و آن را به رسول خدا تسلیم کن و خودت پس از انجام کار از آن رسول خدا خواهی بود. «سهم» گردنبنند را گرفته به نزد پیامبر خدا آورد و حضرت را از گفتار عمار آگاه نمود. پیامبر فرمودند: نزد فاطمه زهرا برو و گردنبنند را به وی تسلیم کن و تو از این پس متعلق به وی خواهی

بود. غلام گردنبند را پیش فاطمه زهرا برد و گفتار رسول خدا را به حضرتش عرض نمود. حضرت صدیقه طاهره گردنبند را گرفته غلام را آزاد فرمودند. «سهم» را خنده گرفت. فاطمه زهرا از سبب خنده وی جویا شد. پاسخ داد: عظمت و برکت این گردنبند مرا به خنده انداخت زیرا گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشاند، ناداری را غنی کرد، بنده‌ای را آزاد نمود و در آخر کار باز به صاحب اصلیش بازگشت.^۱

۲ - از ابن عباس در گفتار باریتعالی که می‌فرماید «يُؤْفُونَ بِالَّذِرِّ...»^۲ چنین نقل شده است که: حسن و حسین علیهما السلام در حالیکه دو کودک خردسال بیش نبودند مریض شدند، رسول اکرم همراه با دو نفر از آنان عیادت نموده به علی علیه السلام فرمودند: چرا برای بهبودی فرزندان نذر نمی‌کنید؟ علی علیه السلام عرض کردند: نذر می‌کنم اگر خداوند دو فرزندم را بهبودی بخشید سه روز روزه بدارم. پیرو سخن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم نذری بر طریق علی علیه السلام نمودند و فضّه هم در نذر کردن از آنان پیروی نمود. پس از مدتی خدای تعالی به آنان لباس عافیت پوشانید. بنابر نذری که کرده بودند روز اول را روزه گرفتند در حالیکه نزد آنان طعامی نبود. پس علی علیه السلام به منزل همسایه یهودی خود که شمعون بن حاتا نام داشت رفته فرمودند: آیا می‌توانی به من قطعه‌ای پشم دهی تا آن را دختر پیغمبر بریسد و برای تو آورده در ازای آن سه صاع جو بدهی؟^۳ شمعون بدین عمل راضی شد. پشم و سه صاع جو را به حضرت داد. حضرت آن پشم و سه صاع جو را به منزل آوردند و فاطمه

۱ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶-۵۸.

۲ - انسان (دهر)، ۷:۷۶.

۳ - هر صاع، سه کیلو است - مترجم.

زهرا علیها السلام پشمها را رسیدند. آنگاه یک صاع از جو را آرد کرده خمیر نمودند و از آن پنج قرص نان پختند؛ برای هر یک از اهل خانه یک قرص نان. علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر به جماعت بجا آورده به منزل آمدند. سفره گسترده شد و چون خواستند افطار کنند در حالیکه لقمه در میان دستانشان بود، مسکینی بر در سرا آمد و صدا کرد: **السَّلامَ عَلَیکم یا اهل بیت محمّد**؛ مسکینی از مساکین مسلمین هستم، از آنچه می خورید به من هم بخورانید که از خدا خواهانم طعامهای بهشتی نصیب شما گرداند. چون علی علیه السلام شنیدند فرمودند:

فَاطِمَةُ ذَاتِ الْمَجْدِ وَالْيَقِينِ يَا بِنْتَ خَيْرِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ

- فاطمه ای صاحب مجد و یقین، ای دختر بهترین مردم.

أَمَا تَرَيْنَ الْبَائِسَ الْمَسْكِينِ قَدْ قَامَ بِالْبَابِ لَهُ حَنِينِ

- آیا نمی بینی که بیچاره مستمند بر درب سرا ناله می کند؟

يَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَكِينِ يَشْكُو إِلَيْنَا جَائِعَ حَزِينِ

- به خدا شکایت و لابه می کند و به سوی ما گرسنه دل غمینی شکایت آورده.

كُلُّ أَمْرٍ بِكَسْبِهِ رَهِينِ وَ فَاعِلُ الْخَيْرَاتِ يَسْتَبِينِ

- هر کس آن دروَد عاقبت کار که کشت و انجام دهنده خیرات، پاداش کارش را خواهد دید.

مَوْعِدُهُ جَنَّةٌ عَلِيَيْنِ حَرَمَهَا اللَّهُ عَلَى الضَّالِّينِ

- وعده گاه همچو شخصی بهشت برین است که خداوند آن را بر کسی که نفعی نمی رساند حرام کرده.

وَلِلْبَخِيلِ مَوْفَقٌ مَهِينِ تَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى سَجِينِ

- و برای بخیل و خسیس جایگاهی حقیر و پست است و آتش او را به سوی سجّین سرازیر می‌کند.

شَرَابُهُ الْحَمِيمُ وَ الْغَسْلِينِ

- و نوشیدنیش آب جوشان و چرک و خون ناریان است.

فاطمه علیها السلام فرمود:

أَطْعِمُهُ وَ لِأَبَائِي السَّاعَةَ أَرْجُو إِذَا أَشْبَعْتُ ذَا مَجَاعَةٍ

- هم اکنون او را طعام می‌دهم و ترسی ندارم، و امید آن دارم که با سیر کردن گرسنه‌ای،

أَنْ أَلْحِقَ الْأَخْيَارَ وَ الْجَمَاعَةَ وَ أَشْكُنَ الْخُلْدَ وَ لِي شَفَاعَةٌ

- به اخیار و برگزیدگان ملحق شوم و در بهشت ساکن گردم و شفاعت کنم. راوی گوید: پس همگان قرص نان خود را به مسکین بخشیدند و با آب تنها افطار کرده شب را با گرسنگی به صبح آوردند. چون روز دوّم شد، فاطمه علیها السلام یک صاع دیگر از جو را آرد و خمیر کردند و پنج نان پختند. آن شب هم علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر خدا به جماعت برگزار کردند و به خانه آمدند چون خواستند به قرص نان افطار کنند، یتیمی از ایتام مسلمین بر در خانه ایستاد و صدا کرد: السّلام علیکم یا اهل بیت محمّد، من یتیمی از ایتام مسلمین هستم، از آنچه تناول می‌کنید مرا بخورانید امیدوارم که خداوند از اطعمه بهشتی شما را بخوراند. پس امیرالمؤمنین فرمودند:

فَاطِمَةُ بِنْتُ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ بِنْتُ نَبِيِّ لَيْسَ بِالذَّمِيمِ

- فاطمه دخت آقای باکرامتی است، دخت پیامبری که مذمت شده نیست.

قَدْ جَاءَنَا اللَّهُ بِذَا الْيَتِيمِ قَدْ حَرَّمَ الْخُلْدَ عَلَى اللَّئِيمِ

- خدا برای ما این یتیم را آورده، و مقام خلد را بر لثیم حرام کرده است.

يُحْمَلُ فِي الْحَشْرِ إِلَى الْجَحِيمِ شَرَابُهُ الصَّدِيدُ وَالْحَمِيمِ

- لثیم را در حشر به سوی دوزخ می‌برند که آشامیدنش چرک و خون و آب جوشان است.

وَمَنْ يَجُودُ الْيَوْمَ فِي النَّعِيمِ شَرَابُهُ الرَّحِيقُ وَالتَّسْنِيمِ

- و هر کس که امروز جود و بخشش کند در بهشت نعیم است که آشامیدنش شراب سر به مهر بهشتی و آب چشمه تسنیم است.

پس آنگاه فاطمه زهرا فرمودند:

إِنِّي أُطْعِمُهُ وَ لِأَبَائِي وَأُوْتِرُ اللَّهَ عَلَى عِيَالِي

- همانا من او را غذا می‌دهم و ترسی ندارم و خداوند را بر خانواده خود ترجیح می‌دهم.

أَمْسُوا جِيعاً وَهُمْ أَشْبَالِي

- امشب گرسنه‌اند در حالیکه اینان شیر بچگان منند.

همگان قرص‌های نان را بدو دادند، خود گرسنه سر به بالین نهادند و شب روز دوم را مانند روز و شب اول و روز دوم سپری کردند. چون روز سوم رسید جریان همچون دو روز گذشته تکرار شد با این تفاوت که در این شب یک نفر اسیر از خاندان وحی طلب غذا نمود و آنان را بر غذائی که می‌دهند دعا نمود تا غذای بهشتی نصیبشان گردد. چون علی علیه السلام شنید، گفت:

فَاطِمَةُ يَا بِنْتَ النَّبِيِّ أَحْمَدُ بِنْتُ نَبِيِّ سَيِّدِ مُسَوِّدٍ

- فاطمه، ای دخت احمد پیامبر، ای دخت پیامبری که آقا و سرور آدمیان است.

مُنِّي عَلَىٰ أَسِيرِنَا الْمُقَيَّدِ مَنْ يُطْعِمُ الْيَوْمَ يَجِدُهُ فِي الْغَدِ

- بر اسیر و دربند کشیده ما مَت گذار، آن که امروز کسی را اطعام کند فردا آن را می‌یابد؛

عِنْدَ الْعَلِيِّ الْمَاجِدِ الْمُجَدِّدِ

مَنْ يَزْرَعُ الْخَيْرَاتِ سَوْفَ يَخْصُدُ

- در نزد خداوند بلند مرتبه با عظمت ستودنی، هر کس خیری بکارد، آن را درو خواهد کرد.

فاطمه علیها السلام فرمود:

لَمْ يَبْقَ عِنْدِي الْيَوْمَ غَيْرُ صَاعٍ قَدْ مُجِّلَتْ كَفِّي مَعَ الدَّرَاعِ

- امروز نزد من جز یک صاع جو باقی نمانده. کف دستم به همراه ساق دستم تاول زده است.

إِنْبَائِي وَاللَّهِ مِنَ الْجِنَاعِ أَبُوهُمَا لِلْخَيْرِ ذُو أَصْطِنَاعِ

- به خدا قسم دو فرزندم گرسنه هستند در حالی که پدرشان همیشه در کارهای خیر پیشقدم بوده است.

آنگاه طعام خود را به اسیر دادند و چون دیگر شبها با گرسنگی سر بر رختخواب گذاردند. روز چهارم علی علیه السلام در حالیکه دو فرزند خود را همچون دو جوجه حمل می‌کردند به نزد رسول خدا آمدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را مشاهده نمودند، فرمودند: دخترم کجاست؟ علی علیه السلام فرمود: در محراب عبادتش جای دارد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاسته و بر فاطمه زهرا وارد شدند و مشاهده کردند که از شدت گرسنگی شکم حضرت به پشت چسبیده و چشمان او به گودی افتاده است. حضرت رسول فرمودند: به خدا استغاثه می‌کنم، خاندان محمد

از گرسنگی می میرند! پس جبرئیل فرود آمد و این آیه را تلاوت نمود:
﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ...﴾^۱

۷ - راستگوئی

۱ - از عمر بن دینار روایت شده است که: عایشه گفت:

ما رأيت أحداً قطُّ أصدق من فاطمة غير أبيها عليها السلام...

کسی را راستگو تر از فاطمه، جز پدرش عليها السلام ندیدم...^۲

۸ - حجاب و عفاف

۱ - انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین چیز برای زنان

چیست؟ ما نفهمیدیم که چه می فرمایند. پس علی علیه السلام به نزد فاطمه علیها السلام رفته او را از سؤال رسول خدا آگاه ساختند. فاطمه علیها السلام فرمودند: چرا نگفتی «بهترین چیز برای ایشان آن است که آنان مردان را نبینند و مردان هم آنان را نبینند». پس بازگشتند و جواب حضرت رسول را دادند، پس پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمودند: این مطلب را چه کسی به تو آموخت؟ علی علیه السلام عرض کردند: فاطمه، پیامبر فرمودند: همانا او جگوه گوشتی است که می باشد.^۳

۲ - از جابر بن سمره نقل است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و جلوس

نمودند؛ آنگاه فرمودند: فاطمه زهرا مبتلا به درد است. مردم و

۱ - تذکرة سبط ابن جوزی، ص ۳۱۳-۳۱۵. وی در اینجا گفتار جدش ابن جوزی را آورده پاسخهای قانع کننده به او داده و نکات ظریفی را از این آیه شریف استخراج نموده است.

۲ - حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۱ [همچنین به: اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۸] [به نقل از: استیعاب.

۳ - حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۱-۴۲.

جماعت حاضر در مجلس گفتند: خوب است از او دیدن کنیم. پس پیامبر خدا برخاسته و راه را در پیش گرفتند تا به درب منزل فاطمه زهرا رسیدند و مشاهده نمودند در باز است. پس پیامبربانگ برآوردند: ای فاطمه؛ خودت را به لباس بیوشان که جماعتی برای عیادت از تو می آیند. فاطمه زهرا فرمودند: ای پیغام آور خدای سبحان، بر من چیزی جز عبا وجود ندارد. پیامبر عبایی را گرفتند و از پشت در به فاطمه دادند و فرمودند: با این سرت را ببند. پس پیامبر خدا داخل شدند و در پشت سر ایشان جماعت عیادت کننده به داخل منزل آمدند؛ ساعتی نشستند و آنگاه از خانه فاطمه زهرا خارج شدند. پس از آن جماعت عیادت کننده گفتند: به خدا قسم، آیا سزاوار است که دخت پیامبر ما بر این حال و وضع باشد؟ راوی گوید: پیامبر متوجه سخن آنان شده فرمودند: آگاه باشید او بانوی بانوان به روز جزاست.^۱

۳ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطاب به فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: کدام چیز برای زن بهتر است [صلاح زن در کدامیک از امور نهفته است]؟ حضرت فرمود: آن لاتری رجلاً و لا یراها رجل، اینکه مردی را نبیند و مردی هم او را مشاهده ننماید. ختمی مرتبت او را به خود چسبانیده فرمودند: ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾^۲.

بَرَّةٌ طَيِّبَةٌ طَاهِرَةٌ مَرِيْمُ الْكُبْرَى عِفَافًا وَوَرَعٌ^۳

- نیکوکار و پاک و پاکیزه است، و در عفاف و ورع مریم کبری است.

۴ - از امام کاظم علیه السلام روایت شده که حضرت از پدران خود روایت

۱- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱-۴۲.

۲- آل عمران، ۳: ۳۴.

۳- ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱.

کرده‌اند که: علی علیه السلام فرمود: مرد کوری از فاطمه علیها السلام اذن دخول خواست، حضرت روی از او پوشیده داشتند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدو فرمودند: چرا روی از او می‌پوشانی در حالیکه تو را نمی‌بیند؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: إن لم یکن یرانی فإنی أراه و هو یشمُّ الريح، هر چند که او مرا نمی‌بیند لیکن من او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: أشهد أنك بضعة منی. شهادت می‌دهم که براستی تو جگر گوشه من هستی.^۱

۵ - به همان اسناد حدیث گذشته، حضرت می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب خود پرسیدند که حقیقت زن چیست؟ گفتند: عورت است. حضرت فرمودند: چگونه یک زن می‌تواند به پروردگار خود نزدیک گردد؟ اصحاب ندانستند. چون فاطمه علیها السلام این پرسش را شنیدند؛ فرمودند: أدنی ما تكون من ربها أن تلزم قعر بیتها، به خدا نزدیک نمی‌گردد مگر اینکه در کنج خانه‌اش باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون این جواب را شنودند فرمودند: إن فاطمة بضعة منی. براستی که فاطمه جگر گوشه منست.^۲

۹ - عصمت و دوری از گناه و اشتباه

در خلال بحث‌های گذشته به نحو استطرادی مطالبی را که دلالت بر عصمت بانوی بانوان داشت بیان نمودیم و در اینجا به عنوان بحثی مستقل به پاره‌ای دیگر از موارد اشاره می‌کنیم:

۱ - ابن ابی الحدید، شارح معتزلی مذهب نهج البلاغه، از علم الهدی

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

شریف مرتضی رحمته الله نقل می‌کند که: اما آنچه دلالت می‌کند بر آنچه که ذکر نمودیم عبارت است از اینکه حضرتش معصوم از خطا و به دور از عمل ناپسند می‌باشد و کسی که دارای چنین صفتی باشد در ادعایش محتاج به شاهد و بیّنه نمی‌باشد.

اگر گفته شود: برای ما دو دلیل اقامه کنید تا گفتارتان به اثبات رسد. ما گوئیم: بیان نخست گفتار حق تعالی است که فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ که این آیه جمعی را که از جمله آن فاطمه علیها السلام می‌باشد در بر می‌گیرد آن هم به اخبار متواتری که در این زمینه وارد شده است. و اراده در آیه دلالت بر وقوع فعل مورد نظر دارد.

به علاوه گفتار پیامبر مدنی هم دلالت بر این سخن دارد آنجا که می‌فرماید:

فَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

این گفتار دلالت بر عصمت حضرت صدیقه دارد چون اگر حضرت از کسانی بود که به گناه [نعوذ بالله] نزدیک می‌شد، دیگر اذیت رساندن به او سبب آزار و اذیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌گردید، بلکه اگر کسی جزای لازم او را از دم و یا اقامه حد - اگر اقتضای آن را داشت - می‌داد موجب خشنودی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را فراهم کرده بود.^۲

۲ - علامه امینی رحمته الله گوید: ما را نرسد که در دفاع از خلیفه آنچه را

۱- احزاب، ۳۳: ۳۳.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۲.

ابن کثیر در تاریخ خود صفحه دو بیست و چهل و نه از جلد پنجم گفته بر زبان آوریم که: فاطمه از آنجا که زنی از افراد بشر بود و توقع عصمت از او نباید داشت از کار ابوبکر خشمناک شد، او را نکوهید و با وی سخن نگفت تا درگذشت و در صفحه دو بیست و هشتاد و نه از کتابش می نویسد: او نیز زنی از آدمی زادگان بود و چنانچه همه اندوهگین می شوند او هم اندوهگین شد چرا که معصوم بودن او لازم نیست... چه بگوئیم درباره این گونه گزافه گوئی ها و غلط پرانی ها آن هم در برابر آیه تطهیر که درباره او و شوهر و پدر و فرزندان [پسرانش] در کتاب خدای عزیز نازل شده؟

چه بگوئیم درباره این با آنکه آوای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در برابر خویش می یابیم که: فاطمة بضعة منی، فمن أغضبها أغضبني؟ فاطمه پاره ای از تن من است پس هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده؟ و در عبارتی: فاطمة بضعة منی يؤذینی ما آذاها و یغضبني ما أغضبها^۱

مؤلف گوید: برای مزید در تحقیق این مطالب به فصل فضائل مشترک فاطمه علیها السلام با سایر ائمه در عنوان اشتراک با ایشان در جنگ و صلح رجوع کنید.

۳ - علامه سید عبدالرزاق مقدم رحمته الله بعد از نقل آیه تطهیر که دلالت بر عصمت فاطمه زهرا دارد؛ گوید: اگر ما از براهین علمی [در استدلال به معصوم بودن حضرتش] روی گردانیم پس فراموش نمی کنیم که صدیقه طاهره از نور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جدا گردیده که نور پیامبر، برگزیده ای

از پرتو الهی است؛ در نتیجه زهرا علیها السلام شکافته شده از حقیقت محمدی است که از عنصر قداست ساخته شده. . . و از امور غیر ممکن این که حضرتش در افعال راه اثم و گناه بپیماید و تو را به وحشت نیفکند آنچه به گوشت می رسد از طینینی که از روی میل و هوا به وجود آمده، چون عصمت برای کسی که در کسا [= عبا] شرکت داشته باشد امری ثابت است (و همه اصحاب کسا را در بر می گیرد) آن هم به خاطر تحمل امر رسالت و یا امامت که حضرت زهرا از این دو امر خالیست (نه امر رسالت برگردن دارد و نه امامت) اما خالی از عصمت نیست چون ما نمی گوئیم که تحقق عصمت در ائمه علیهم السلام به سبب تبلیغ احکام است تا اینکه شما بگوئید صدیقه طاهره معصوم نیست چون وظیفه تبلیغ احکام را بر دوش نمی کشد؛ ما برای اثبات عصمت ایشان به کتاب خدا تمسک می جوئیم به اقتضای اینکه طبیعت آنها از نور الهی تکوین یافته است پس غیر ممکن است که از آنان گناهی سرزند؛ و یا اینکه نور الهی به سبب عدم سنخیت، ملوث با چیزی که سازگار با طبیعت او نیست نمی شود، و گناه و حتی ترک اولی از این قبیلند.

و این قدسیه بودن آنان خود دلیلی است که شیطان در خواب به صورت آنان نمی تواند درآید لذا بر زهرا علیها السلام واجب است از آن چیزهایی که بر زنان در حالت عادت و زائیدن عارض می شود پاک و به دور باشد.

و از اموری که تأکید بر عصمت حضرتش محسوب می گردد گفتار متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که می فرمود: **فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُغْضِبُنِي مَنْ أَعْضَبَهَا، وَ يُسْرِئُنِي مَنْ سَرَّهَا، وَإِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعْضَبِهَا وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا**

که این سخن کاشف از این است که رضای او موکول به آن چیزی است که رضا و خشنودی پروردگار جلّ شأنه در آن باشد. همچنین خشم پروردگار به سبب خشم اوست به گونه‌ای که اگر حضرتش بر امری خشم گیرد یا از مطلبی خشنود گردد که آن امر و مطلب از مباحات باشد به ناچار برای آن یک جهت شرعی باشد که آن را داخل در موارد رجحان کند. در نتیجه حالت رضا و غضب در او برانگیخته شده از جهت نفسائیات نمی‌باشد؛ و این معنای عصمت است که در حضرتش موجود است.^۱

مؤلف گوید: آیه تطهیر به وضوح دلالت دارد بر اینکه حضرت صدیقه طاهره مطهره به طهارت حقیقی است که از هر نقص و عیب و عار و گناهی مبرا است و این مطلب تنها از این جهت نمی‌باشد که حضرتش گناه و عمل ناروا انجام نمی‌دهد بلکه فکر گناه هم در مخیله حضرت راه ندارد هر چند که فکر گناه منافاتی با عصمتی که در انبیاء موجود است، ندارد. ما تحقیق این مسأله را در کتاب دیگرمان، «الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» نموده‌ایم.

